

فهرست فصول این رساله سوال و جواب

فصل ۱ در بیان نشان عیسویان ۲

فصل ۲ در بیان آنچه لازمست بر عیسویان که بدانند ۱۰

فصل ۳ در بیان معنی اسرار دین ۱۸

فصل ۴ در بیان باقی معنی اسرار دین ۳۴

فصل ۵ در بیان عملیات و بیان ده حکم الهی ۵۳

فصل ۶ در بیان احکام کلیسیا ۷۶

فصل

فصل ۷ در بیان مناجاتیات ۸۶

فصل ۸ در بیان دعائی که از اسلام ملائکه میگویند ۱۰۵

فصل ۹ در بیان توجه بجناب مریم و عزت صورتها ۱۲۳

فصل ۱۰ در بیان هفت اسرار مقدس متعارف در کلیسیای مقدس ۱۲۹

فصل ۱۱ در بیان فضایل نیکوییها ۱۵۹

فصل ۱۲ در بیان عطایای روح القدس و سعادتمندیها ۱۷۰

فصل ۱۳ در بیان کارهای رحمت ۱۸۸

فصل ۱۴ در بیان گناهای کبیره و معالجه آنها ۲۰۲

فصل ۱۵ در بیان چهار چیز واپسین ۲۱۸



فهرست علاوه شده

در بیان عمل اعتقاد ۲۲۶

در بیان عمل امید ۲۲۷

در بیان عمل محبت ۲۲۷

در بیان عمل پشیمانی ۲۲۸

در بیان عمل توبه ۲۲۹

اینمختصر رساله‌ایست در سؤال و جواب که انتخاب شده است
از عقاید عملیات دین عیسویان و مبتنی است بر پانزده فصل

فصل اول

در بیان نشان عیسویان

س عیسوی هستید

ج آری بعنایت خدا

س چرا میگوئید بعنایت خدا

ج زیرا که محض لطف و کرم خدا بود که بما نیز
رسیده که عیسوی شدیم بی آنکه خود لیاقت داشته باشیم

س عیسوی چه معنی دارد

ج عیسوی آنست که اعتقاد میکند و اقرار
میاورد دین حضرت عیسی را

س مگر اعتقاد بدل بس نیست اگرچه
بزبان اقرار نکرده باشد

ج نه بلکه لازمست بر هر عیسوی که دین

حضرت عیسی را در دل استوار داشته باشد
و نیز آماده بود برای اقرار کردن ان بزبان
هر گاه که ضرور افتد و هرگز انکار ان نیارد
هر چند خطر جان در پیش اید

س نشان عیسویان کدامست

ج صلیب مقدس

س چرا

ج زیرا که در صلیب حضرت عیسی ما را ازاد کرد

س پس معلومست که ما اسیر بوده ایم

ج بلی

س اسیر چه کس

ج اسیر عصیان خود و شیطان

س صلیب را چه طور بعمل میاورند

ج به دو طریق یکی برای نشان کشیدن
و دیگری برای برکت کردن

س چه چیز است نشان کشیدن

ج رسمی خاص عیسویانست که بدان اشارت
صلیب به دست راست پهن و دراز کرده شده

برخویشتن میکشند ویا بانگشت دست راست
همان نشان صلیب را سه نوبت میکشند
یکی بر پیشانی و دیگری بر دهان و دیگر بر سینه
و در انحالت دعا کنانند بخداوند صاحب خود

س بنمائید که چه طور دعا کنند

ج بانیقسم بگوید که ببرکت صلیب مقدس
خلاص کن مارا ای صاحب ما از دشمنان

س چرا اشارت صلیب بر پیشانی میکشید

ج تا خدا مارا خلاصی دهد از خیالات بد

س چرا اشارت انرا بر دهن میکشید

ج تا خدا تعالی مارا رهائی بخشد از کفتارهای بد

س چرا بر سینه

ج تا باری سبحانه مارا خلاصی دهد از کردهای
ناشایسته که از دل ما بیرون میاید

س پس مراد از دشمنان کناهان ماست

ج اری که اصل دشمنان جان ما کناهانست
خواه ارتکاب ان بفکر باشد یا بقول یا بفعل
واز خدا درخواست مینمائیم که مارا از اینهمه

خطاها رهائی بخشد بوسیله صلیب مقدس
وبرکت حضرت عیسی صاحب ما

س برکت کردن چه چیز است

ج کشیدن اشارت صلیب است ابدست
راست از پیشانی تا بسینه واز دوش
چپ تا دوش راست

س بنمائید که چه طور دعا کنند

ج باسم اب وابن وروح القدس آمین

س چرا چنین اشارت صلیب برخود میکشیند



ج برای اقرار کردن بآن سر بلند که خدا
وپسر وروح پاکست سه قایم ویک خدای واحد مطلق

س دیگر برای چه

ج جهت اقرار کردن که در صلیب
مقدس آزاد شدیم

س کدام وقت این نشانها را بکار بریم

ج هر وقت که شروع کنیم بکار نیکی یا خود را
در خطری وتنگی دیده باشیم خصوصا وقت
برخواستن از جامه خواب یا برامدن از خانه ودر امدن

در عبادتخانه و وقت خوردن و خوابیدن

س چندین بار از برای چه

ج تا همه وقت و همه جا ایزد تعالی

ما را رهائی بخشد از دشمنان ما

س برای چه در اغاز هر کاری

ج تا دشمنان که جرایم و شیاطینند

دخل نکنند در هیچیک از امور ما بلکه همه

موافق رضای ایزدی بوجود اید

فصل دویم

در بیان انچه لازمست بر عیسویان که بدانند

س بر عیسویان چه چیز واجبست

که بدانند چون ببلاغت برسند

ج سه چیز

س ان کدامست

ج اعتقادیات و عملیات و مناجاتیات

س اعتقادیات را چه طور بدانیم

ج بدانستن ایمان میدارم و او بفهم

اجزای اسرار دین



س عملیات را چه نوع معلوم داریم

ج بدانستن امر و نهی خدا و شریعت
عیسویان تا انرا بجا اریم و بدانستن جرایم
کبیره تا از انها محترز باشیم

س مناجاتیات را چه سان بفهمیم

ج بدانستن ان ادعیه که ابتدای انها
ای پدر ماست و سلام بر تو ای مریم

س گفتید بدانستن ایمان میدارم
اکنون بگویید که ایمان میدارم چه چیز است

ج اقراریست باختصار از اسرار دین مقدس ما

س ایمان میدارم را که بنا نهاد

ج رسولان حضرت عیسی صاحب ما

س از برای چه

ج جهت خبر دادن ما را از دین خود زیرا که
در ان مختصر است هرچه لازمست که بتخصیص بدانیم

س پس ایمان میدارم را تفسیر بگویید

ج ایمان میدارم بخدای واحد پدر
قادر مطلق افریدگار اسمان و زمین و بحضرت

عیسی مسیح پسر یگانه او و صاحب ما که پیدا
شده است بقدرت روح القدس و تولد
یافت از مریم بکر و زحمتها کشید و بحکم پیلاطس
مصلوب شد و مرد و مدفون شد و فرود آمد
بجایهای پست و بروز سیم از میانه مردگان
برخواست و بالا رفت بر آسمانها و مینشیند
بدست راست خدای قادر مطلق و از آنجا
خواهد آمد بداوری کردن زندگان و مردگان
و نیز ایمان میدارم بروح القدس و کلیسیای

مقدس

مقدس احد کاتلیکی و رسولی و شرکت پاکان
و آمرزش جرایم و حشر مردگان
و حیات جاوید آمین

س در اینکه خواندید چند اسرار دین و اخلت

ج چهارده که آنهارا چهارده اسرار دین مینامیم

س آنهارا بگوئید

ج اجزای عقاید ایمان چهارده است
از آنجمله هفتش داخلت بلاهوت خدایتعالی
و هفت دیگر بناسوت حضرت عیسی و آن هفت

که بلاهوت خدا داخل است

اول اقرار آوردن برانکه خدا واحد است و پدر قادر مطلق

دویم ایمان آوردن برانکه خدا قادر مطلق است

سیم ایمان آوردن برانکه پسر است

چهارم ایمان آوردن برانکه روح پاکست

پنجم ایمان آوردن برانکه خالقست

ششم ایمان آوردن برانکه نجات دهنده است

هفتم ایمان آوردن برانکه بهشت دهنده است

وان هفت دیگر که بناسوت حضرت عیسی داخل است

اول ایمان آوردن بانکه همان پسر بود
که بقدرت روح القدس در شکم جناب
مریم ادمیت گرفت

دویم ایمان آوردن بانکه ان زائیده شد
از مریم بکر و بکارت او زایل نشد

سیم ایمان آوردن بانکه از برای ما مصلوب
شد و مرد و مدفون شد

چهارم ایمان آوردن بانکه ان فرود آمد
بجایهای پست و برآورد ارواح اولیا پیشین را

که همانجا منتظر امدن مبارک او بودند

پنجم ایمان اوردن باینکه ان روز نسیم زنده بشد و بر جنت

ششم ایمان اوردن باینکه ان بر اسمان بالا رفت

و مینشیند بدست راست خدای قادر مطلق

هفتم ایمان اوردن باینکه در اخر دنیا ان

خواهد امد جهت داوری کردن زندگان

و مردگان از نیک و بد که کرده باشند

فصل سیم

در بیان معنی اسرار دین

شماهیدنیم

س شما میدانید بیان این

اسرار بلند و باریک را چنانچه عالمان متبحرّ

ج جواب میتوانم داد انچه از من پرسید

اما بیان کامل انرا موقوف میداریم برپادریان

و عالمان عظام که تفسیر کرده اند قانون ایمانرا

س پس بیان کنید ان قانون ایمانرا

لفظ بلفظ و نخست بگوید که چه معنی دارد ایمان

میدارم و چه چیز است

ج ایمان اوردن یقین داشتن است

چیزیرا که در نظر نیامده باشد از جهت اینکه
خدایتعالی در کلام خود چنین گفته است

س شما خدارا دیدید که اسمان و زمینرا
افریده باشد و حضرت عیسی را مشاهده کردید

ج نه

س اینچیزهارا یقین میدارید

ج اری و یقینتر ازانکه بچشم خود ببینم

س چرا

ج زیرا که اینچنین نوشته شده است و چنین گفته است

خدائیکه فریب دهنده و فریب خورنده نیست

س از کجا میدانید که خدا اینچنین گفته است

ج از اینکه اینچنین نوشته است
در انجیل مجید حضرت عیسی

س میگوئید ایمان میدارم بخدای
واحد مراد از خدای واحد چه چیز است

ج خدا چیزیست روحانی مجرد و واجب الوجود
که در او جمع شده است همه کمالات
که بخیالات توان اورد و هم بسیار چیزی که

برون از خیال باشد و واحد است یعنی شریک ندارد

س چه معنی دارد خدای پدر

ج خدا پدر خوانده میشود از جهت انکه همه
مردم و اشیا را افریده و برپا میدارد و انها را
میرساند هر چه بایشان لازمست با کمال
مهر همچون پدر بفرزندان خویش و نیز پدر
خوانده میشود زیرا که بتحقیقت پسر طبیعی
دارد از همان ذات خویش

س چه طور تواند بود که خدا پسر حقیقی

داشته باشد چونکه نه جسم دارد و نه زن

ج چه طور خدا میبیند و سخن میگوید و میشنود
چونکه نه جسم و نه دهان و نه گوش دارد

س نمیگوییم که میبیند و سخن میگوید
و میشنود بچشم و دهان و گوش مثل ما بلکه همه این
چیزها را میکند بعقل و دانش خویش

ج بهمان طور وقتیکه میگوییم خدا پسر
دارد نمیگوییم که ان را دارد از زن و یا از تنی
مثل ما که او تعالی از این چیزها منزه است

اینچیز است وبس که بلند است ولطیف
وبفهمیدن خود بکمال چون بیحد است
یک مثل ما تصدیق پیدا میکند در خود مثل
خود بی کم وبیش که انرا پسر میگوییم وبخواستن
خویش بکمال میلی پیدا میکند در خود که انرا
روح القدس میگوییم وان تصدیق عقلی
که پسر است وان میل که روح القدس است
ازهمان ذات خدا میباشند
س پس چرا میگوئید که سه خداست

پدر وپسر وروح القدس
ج حاشا که چنین گفته باشیم بلکه با وجود
اینکه اقرار میکنیم که خدا یتعالی سه اقنوم با قانیم
مختلف است میگوییم که یک خدای واحد
مطلقست چراکه در خدای بغیر یک ذات بسیط
نیست الغرض همان خداست که بتحقیقت
پدر وبتحقیقت پسر وبتحقیقت روح القدس است
بی انکه از وحدت ذات مبارک برامده باشد
واین خاصه خداست که بیحد است ودر هیچ

مخلوق اینخاصیت یافته نمیشود و بجهت سر
بلند میگوییم که ان بیچون و بی چگونه است
س این چون تواند بود
ج بقدر امکان انچه من تحقیق کرده ام
اینست که درباره الله تعالی چیزهائی خواهیم شنید
و اعتقاد خواهیم کرد که بلندتر از فهم و عقل ماست
بنابران در اغاز این اسرار دین که نقل
کرده ام است انسخن که گفته ام معنی ایمان
میدارم را تا بفهمانیم که در چیزهای الهی مدار ما

برجسم و دلیل نیست مگر باعتبار انکه یقین داشته باشیم
انچه در کلام خدا است هر چند بکنه ان نرسیم
س بیان نموده که چه معنی دارد خدای
پدر اکنون بگویید چه معنی است قادر مطلق را
ج اینکه قدرت خدا انقدر است که هرچه
میخواهد میتواند کرد و محتاج بالت یا ماده نیست
مثل ما تا چیزها موجود کند بلکه از هیچ میتواند
پیدا کردن هرچه میخواهد
س چه معنی دارد افریدگار اسمان و زمین

اینست که خدا تعالی که واجب الوجود است
و قدیم وقتیکه خواست پیدا کرد از هیچ محض بحکم
خود اسمان و زمین را و هرچه در انهاست از
روحانی و جسمانی و چیزی نیست هرچند که
خورد تر از سایر اشیاء بود که افریده او نباشد

س چه معنی دارد عیسی مسیح پسر یگانه او و صاحب ما

ج اینکه عیسی مسیح که صاحب ما شده است وارث
مبارک خداست بنا بر این او تنها پسر حقیقی خداست

س چونست که در کتاب الهی بندگان

نیک

نیک و پاک پسر خدا خوانده میشوند

ج اری اما انها که پسر خوانده شده اند
محض لطف و کرم الهی میباشد که اینحظ را
یافته اند و پسران حقیقی و طبیعی نیستند
مگر پسران مجازی

س چه معنی دارد که این پسر خدا
عیسی مسیح خوانده میشود

ج عیسی نام خاص اوست و مسیح لقب او

س چه معنی دارد یسوع که عیسی میگویند

ج یسوع بمعنی نجات دهنده است وچون
پسر خدا آدم شده است برای سلامتی
ما ورهائی ما از جرایم لهذا این نام یسوع را
گرفت واین خاصه خداست

س چه معنی دارد مسیح

ج مالیده شده

س از چه چیز مالیده شده است

ج از روغن رحمت الهی واز انعام
ولطفهای او که آن آدمیت که پسر خدا بخود
گرفت

گرفت مملو شد از هر فضیلت وانعام خدا که
در مخلوقات توان یافت بنابران باین دو
لفظ عیسی مسیح ظاهر میشود که خدای حقیقی
ونجات دهنده همگانست ونیز آدم حقیقیست
که پاکترین است بنسبت همگی مردم

س چرا میگوئید عیسی صاحب ما

ج چرا که از حیثیت اینکه خداست ما را
افریده است واز حیثیت انکه ادمست
بمحنتها و مرگ خود ما را از غلامی سخت

شیطان و جرایم ازاد کرد و باینکه
قدرت داد که از اینها براسم

س چه معنی دارد که پیدا شده است
بقدرت روح القدس

ج به اینجهت که پسر خدا ادمیت کرفت است
در شکم جناب مریم پارسا نه بوسیله پدر و نه بطرز
مردم دیکر مکر بقدرت الهی که روح پاکست

س پس عیسی مسیح از حیثیت اینکه
ادمست از پدر بوجود نیامده است

ج چنین است که انچنانکه از حیثیت اینکه
خداست در اسمان از پدر پیدا شده نه از مادر
همین طور در زمین از حیثیت اینکه ادمست
از مادر پیدا شده نه از پدر

س چه معنی دارد که زائیده شده است از مریم بکر

ج از اینکه ان زن خجسته میان همکی زنان
برکزیده شده تا از او و در او پسر حقیقی
خدا ادمیت بکیرد و مریم نام داشت

س چرا او را بکر میکویند پس چون زائید

ج که همچنانکه بی وسیله مرد بقدرت ایزدی
حامله شد همچنان بقدرت الهی زائیده شد
بی انکه بکارت او زایل شود و همواره تا دم واپسین
بحالت دختری ماند بنابراین بکر بود پیش
از زائیدن و وقت زائیدن و بعد از زائیدن

فصل چهارم

در بیان باقی معنی اسرار دین

س گفتید که پسر خدا ادمیت گرفت
و از مریم بکر متولد شد اکنون بگوئید چه معنی دارد

محنتها

محنتها کشید بحکم پیلاطس و مصلوب
شد و مرد و مدفون شد

ج اینکه حضرت عیسی صاحب ما بسیار
محنتها کشید و در صلیب کشته شد بحکم پیلاطس
که ادم حاکم دیار یهودان بود که انجا حضرت
عیسی تولد یافت و تعلیم داد و معجزها و خوارق
فراوان بعمل اورد بعد از انکه مرد و در قبر نهاده شد

س چرا میگوئید که مرد چون اقرار میکنید که خدا بود

ج از حیثیت انکه خدا است نمرد بلکه محالست

٣٦

که بمیرد اما از حیثیت انکه ادمست مرد باینکه
جان از تن او جدا شد بروش مردکان
دیکر اکرچه جان و تن از خدائیت جدا نشدند چنانچه
هرکاه چوب کمان از میانه دو پارچه شود هرچند
ان پارچها از یکدیکر جدا اینه ولی بزه خود یکی
شده و از او جدا نیستند همچنین است ادمیت
حضرت عیسی مرده اکرچه روح و تن از یکدیکر
جدا شدند ولی بخدا متحد کردیده و همیشه
اتصالشان باقیست

چرا از حیثیت

٣٧

س چرا از حیثیت اینکه مرد نتوانست که
از مرک خلاص شود چون مردکان دیکر را زندکی میداد
ج اری میتوانست لیکن بنی ادم اینقدر محبت
داشت که خود را جهت کناهکاران فدا کرد و کفارت
همه کناهان ایشان بمرک خود ادا نمود
بنابراین از او بغایت منت داریم
س چه معنی دارد که بجاهای پست رفته است
ج اینست که بعد از مردن که تن او را بقبر سپردند
بهمین طور جانش در جاهایکه زیر زمینست رفت

س چه نوع جایهاست در انجا

ج چهار مکانست در زیر زمین پستترین از همه

دوزخست که انجا شیاطین و مجرمان عذاب

میکشند دیگر جاییست بلندتر از ان که انرا مطهر

مینامند یعنی جای پاک شدن از برای مردم

نیک که بعضی معصیت از ایشان سر زده انجا

میروند تا مطلق پاک شده ببهشت خرامند و دیگر جاییست

بلندتر از ان که انرا الیمپوس یعنی کناره مینخوانند

که در انجا بچکان نابالغ میروند که پیش از

غسل تعمید گرفتن مرده اند و در انجا بغیر از محرومی

از دیدار خدا هیچ عذاب نمیکشند چهارم

جاییست رفیعتر از همه که انرا اغوش ها کینار

ابراهیم گویند یعنی مقام ابراهیم خلیل که در انجا

ارواح انبیا و اولیا، خدا بودند و انها عذاب

نمیکشیدند و منتظر مقدم حضرت عیسی بودند

که ایشانرا از انجا براورده ببهشت رسانند

س پس بکدام جای از اینها نازل

حضرت عیسی فرود امد

ج بانمقام چهارم و در انجا نورانی ساخت
ارواح پاکان را و چون از قبر برخواست همه را
با خود برد و دیگر ارواح که در ان سه مقام
بودند بحال خود گذاشت

س چه معنی دارد که روز سیم برخواست

ج از بعد از انکه از روز جمعه و شنبه جانش
در انمکان با اولیای مذکور بود و تنش در قبر
باز جان با تن پیوند گرفت و زنده شده
از قبر برامد و زندگی جاوید یافت که هرگز فنا پذیر نیست

س بچه معنی میگویید که بر اسمان بالا رفت

ج ازانیکه عیسی صاحب ما بعد از انکه
زنده شده چهل روز با شاگردانش بسر برد
و بحضور ایشان و دیگران بر اسمان رفت
و رسید بلندترین مقامی که انجاست و این
کار محض بقدرت الهیت خویش کرد

س چه معنی دارد که مینشیند بدست
راست خدا مگر خدا را دست راست و چپ است

ج خدا دست راست و چپ ندارد چرا که

از جسم منزه است اما ازاینکه میگوییم که بدست
راست خدا نشسته است بدینجهت است
که تا بفهمانیم که عیسی صاحب ما ازحیثیت ایکه
حیثیت
پسر است همان بزرگی و قدرت را دارد و از
اینکه ادمست درعزیزترین و بهترین مکانیکه
بر اسمانست تمکنت و بزرگواری و قدرت
بیشتر از فرشتگان و همه پیغمبران دارد
س چه معنی دارد خواهد امد برای
داوری کردن مردگان و زندگان

ج اینست که وقتیکه دنیا باخر خواهد رسید
در اخرین روزنش حضرت عیسی صاحب ما
از اسمان بتمام بزرگی و شان عظیم فرود
خواهد امد و از همگی مردم حساب نیک و بدی
که بعمل اورده باشند خواهد گرفت و بر ایشان
عدالت کلی خواهد نمود و همه را جزا با سیاست
فراخور کردار ایشان خواهد فرمود
س چرا میگوید که داوری کند
بر زندگان و مردگان در روز عدالت و حال

اگه همه مردم نمرده باشند و بعد از مردن زنده نشوند

ج اری اما مراد از زندگان مردم نیکند

و مراد از مردگان مردم عاصی و نیز مراد

از مردگان انانند که پیش از ان روز مرده

باشند و مراد از زندگان کسانی هستند

که تا ان روز زنده میباشند انها هم در انروز نیز

خواهند مرد و بعد از ان زنده خواهند شد

س چه معنی دارد ایمان میداریم بروح القدس

ج یکبار گفته ایم که خدا تعالی هر چند واحد

مطلق

مطلق در ذات و وجود است لیکن بسه اقنوم

قایلیم که انها پدر و پسر و روح القدس

که جان پاک است باشد چنانچه در ابتدای

این مجمع اسرار دین گفته ایم از خدا باین

نسبت که پدر است و بعد از ان از همان

خدا نسبت باینکه پسر است اکنون سخنست

درباره همان خدا نسبت باینکه جان پاک است

یعنی روح القدس و این سر مشکل چون

بغایت بلند است بیان انرا واگذاریم بر عالمان متبحر

س چه معنی دارد کلیسیا

ج مراد از کلیسیا جماعت عیسویانست
و جامعهٔ همهٔ مؤمنان که بمسیح اقرار میکنند
و پی روی مینمایند بدین حضرت عیسی و جانشین
انحضرت را که پاپای رومی میگویند مقتدا
و راعی خود میدانند که حضرت عیسی او را
بر زمین خلیفهٔ خود ساخت

س چه معنی دارد کلیسیای رسولی

ج اینست که رسولان حضرت عیسی صاحبا

همان دینی را که از انحضرت تعلیم گرفتند
بعینه ان را بجل دنیا مشهور و منتشر
ساخته و نیز همان دینست که از انوقت
تاکنون در میان مؤمنین دین عیسویان
معمولست و جانشین های همان رسولان
مپاپاشند که از انروز تا بحال پیوسته بوده و هستند

س چه معنی دارد کلیسیای کاتلیکی

ج کاتلیک لفظیست یونانی که ترجمه اش
کلیاتست و مفهومش اینست که اینجماعت

کاتلیک درهمه وقت بوده وخواهند بود
ودر کل دنیا ومیان هر قوم همیشه مشهور میباشند

س چه معنی دارد کلیسیای احد

ج مراد از کلیسیای احد جماعت عیسویانست
که همگی یک گله میباشند ویک گله بان دارند
که ان جناب پاپا میباشد

س چه معنی دارد کلیسیای مقدس با وجود
انکه در عیسویان بسیار گناهکار میباشند

ج زیرا که حضرت عیسی که سردار ایشانست

پاکست

پاکست ودین عیسویان کامل وپاکست ونیز
در اینجماعت مذکور بسیارند که بنیکوکاری
نزدیک خدا پاکند وسوای از اینجماعت
هیچکس یافته نمیشود که پاک وولی باشد

س چه معنی دارد شرکت پاکان

ج اینست که چنانچه در وجود ادمی همگی اعضا
که زندگی دارند شریک در رنج وراحتند وعضوی
که از کار رفته وحس در او نمانده هیچ شراکت
ندارد بهمین طور در میان عیسویان مردمان

نیک و پاک شرکت دارند در دعا و نیکیها
که میکنند و این شرکت خاصه پاکانست
چراکه گناهکاران همچو عضو ازکار رفته است
و از این شرکت محرومند

س چه معنی دارد امرزش جرایم

ج اینکه در جماعت عیسویان علاجهای
خاص میباشد که باعث رحمت و مغفرت الهی
میشوند و از این محرومست هر کیشی و دینی دیگر چراکه
ایمان ندارند بحضرت عیسی بخشنده جرایم ما

س چه معنی دارد برخواستن مردگان

ج اینست که همه مردگانیکه پیش از روز
قیامت مرده اند باز بقدرت الهی زنده میشوند
بانیقسم که جان هر یکی بتن اصلی خود پیوند خواهد
گرفت و ان تن هرچند که پراکنده شده باشد
فرشته های حارسان یعنی نگاهبانان همه
اجزا ان را جمع نموده بدستور سابق
ترکیب خواهند داد و روح در او قرار خواهد
گرفت و بعد از زنده شدن هرگز نخواهد مرد

س چه معنی دارد حیات جاوید

ج اینست که اعتقاد داریم که مردم نیک
بوسیله مرگ و بخششهای حضرت عیسی پاداش
نیکوکاری خود را در بهشت خواهند یافت
و خدارا خواهند دید و از هر خوبی بهره مند
ابد الاباد خواهند شد و اینحالت سراسر
سعادت حیات جاوید خوانده میشود

س گناهکاران مگر حیات جاوید نخواهند داشت

ج خواهند داشت چنانچه گفتیم هرگز نخواهند

مرد ولیکن چون در دوزخ بموجب عصیان
بسختترین عذاب گرفتار میباشند پس
چنین حیات را نام حیات نهادن دور
از عقلست مگر مرگ جاوید

س چه معنی دارد اینسخن پس که امین باشد

ج اینست که اینچنین یقین داریم و باینکلمه
اقرار میکنیم که یقین دانیم آنچه را که در این
قانون اسرار دین نقل کردیم

فصل پنجم

چهارم پدر و مادر خود را احترام نمائی تا از برای خود نیکو شود

پنجم قتل مکن

ششم زنا مکن

هفتم دزدی مکن

هشتم از برای رفیق خود دروغ شهادت مده

نهم از زن رفیق خود آرزو مدار

دهم و نه از هر چیزیکه از اوست

واین ده حکم در دو حکم داخلست یکی دوستدا

خدایتعالی را از همه چیز و دیگری اهمچو خود را

پس حکم

در این باب تثنیه باب ششم
[illegible]

س پس حکم نخستین را باز بگوئید

ج حکم نخستین است که خدایتعالی را دوستدار از همه چیز

س بپایان کنید اینحکم را

ج در اینحکم امر است که هیچ چیز را از مخلوقات

چنان نپرستیم و دوست نداشته باشیم که خالق خود را

س این چه معنی دارد

ج آنکه خدایتعالی یکیست و چنین او را پرستش

و عزیز داشته باشیم که اماده شویم از برای او و چه

و ما در و همه چیز بلکه خود را نیز بگذاریم تا امری





خلاف حکم او نکنیم

س ایا برای سلامتی جان خلاف
حکم خدا گناه میتوان کرد

ج نه زیرا که رضای خدا تعالی را از خود
و از همه چیز دوستر باید داشت

س در این حکم امر دیگر هست

ج اری نخستین و بزرگترین چیز که در این حکم
فرموده میشود اینست که هیچ چیزی از مخلوقات را
و نه صورت انرا الخدائی نپرستیم بغیر خدا که خالق

ما و افریدگار تمامی اشیا است و او واحد مطلق است

س چه چیز دیگر در این حکم داخلست

ج اینکه اعتبار کنیم بتمام عقیده بخدا و هیچ
شک و شبه بسخنان او نیاوریم بلکه همه کلمات او را یقین
بدانیم هر چند بکنه معانی او نرسیم و انها معلوم ما نشود

س دیگر چه چیز در این حکم داخلست

ج نیز میفرماید خدا تعالی که تمام امیدواری
بر او داشته باشیم و در ضروریات که پیش اید
باو التجا اریم و بهیچ نوع بشیطان رجوع

نکنیم بوسیله جادوگری وغیره

س حکم دویم را بگویید

ج اینست که اسم صاحب خدای خودرا

باطلا برزبان میار

س بیان کنید اینحرا

ج معنی اینحکم اینست که اسم خدارا بی لزوم

برزبان نیاریم ونیز قسم بنام خدا نخوریم بی تقریب

یعنی بناراستی و دربی انصافی و بیضرورتی

س چه معنی دارد اسم خدارا بی لزوم برزبان نیاریم

هرکه

ج اینست که درجاهائیکه ذکر معبود موجب

تمجید وتحمید او نیست بعبث نباید مذکور ساخت

که باعث کسر کبریائی وسبحانیت او میشود

س ناراستی چه معنی دارد

ج اینکه اصلا بدروغ بنام خدا سوگند نخوریم

مگر درانچه واقع وراستست

س ایا وقتیکه در دروغ فایده ازبرای

کسی باشد سوگند بنام خدا میتواند خورد

ج نه بلکه نسبت بخدا که عین راستیست بیعزتی

س حکم سیم کدامست

ج اینست که روز شنبه را که از برای ما تبدیل
شده است بیکشنبه یاد دار تا آنرا مقدس نمائی

س مقدس داشتن یکشنبه چه معنی دارد

ج اینست که روزهای یکشنبه ها را که در تمام
سال میباشند باید مشغول باشیم در آنروزها بامور
مقدس و نیک و عبادت خدا مثلا از شنیدن
قداس و وعظ و مثل اینچیزها و نیز اجتناب نمودن
از مشقت کار و بار جسمانی که اکثر اوقات مانع

کارهای روحانی و عبادت یزدانی میباشد

س آیا در میان عیسویان در همین سال
عیدهای دیگر هست که باید مانند یکشنبه مقدس دارند

ج بلی بعضی روزهای خاص هست که در آنها
یاد کرده میشود از بعض اسرار احوال حضرت
عیسی و جناب مریم و اولیاء الله دیگر

س حکم چهارم کدامست

ج اینست که پدر و مادر خود را احترام نمای
تا از برای خودت نیکو شود

س از برای خودت نیکو شود چه معنی دارد

ج اینست که موجب ازدیاد عمر و رونق در امور میشود

س در اینحکم چیزی دیگر داخل میباشد

ج اری اینست که نیز حکمت که هر کسی اطاعت
پادشاه خود را نماید و بجا کمان دیگر نیز فرمانبرداری
کند و بزرگان خود لوازم اداب و پرستاری را
بجای ارد در اینچیزها بیکه خلاف دین خدا نباشد

س حکم پنجم کدامست

ج اینست که قتل مکن

اما مندرج

س ایا مندرجست در اینحکم که هر نوع
از حیوانات را نکشند

ج نه بلکه میتوان کشت هر چه در ملک خود
بود و بکار باشد که افریده شده برای فواید
خلق در حیات و ممات

س پس چه چیز را میفرماید که قتل مکن

ج اینکه هیچ نوع از بنی ادم را بناحق نکشیم
و نرنجانیم نه بکردار و نه بگفتار زشت و نیز دل بد
نخواسته باشیم و از زیان و نقصان ایشان شاد نشویم

س آیا با دشمنان خود بدی کردن جایز است

ج نه بلکه حکمست که دوست داشته باشیم بدسگال
خودرا و با او نیکی کنیم وقتیکه او را بما
التجائی ضروری باشد

س حکم ششم کدامست

ج زنا مکن

س اینحکم را چه طور بجا اریم

ج اینکه مجامعت نکنیم با زن بیگانه خواه
کدخدا باشیم و خواه مجرد و باید این بدفعلی را

نه بکردار بعمل اریم و نه بزبان و نه بفکر که
بتاکید منعست با بعضی جرایم اقبح
که شایستگی نام بردن ندارد

س حکم هفتم را بگویید

ج اینست که دزدی مکن

س چه معنی دارد دزدی کردن و چه باشد

ج دزدی اینست گرفتن و نگاه داشتن
نقد و جنس کسی را بی رضای او خواه بغصب
بود و خواه بپنهانی خواه بدغابازی باشد

وخواه نبود ونیز تعطیل کردن در ادای
قرض هنگام قدرت وتعطیل کردن
در پا داشتن خدمات شایسته داخل در دزدیست
وبهیچ چه از انواع مذکوره خدا راضی
نیست که مال کسی را نگاه داریم
س حکم هشتم را بگویید
ج اینست که از برای رفیق خود دروغ شهادت ندهد
س در اینحکم چه داخلست
ج اینست که از بنی ادم احدیرا نرنجانیم

به پیغرتی یعنی بسخنان دروغ
س ایا وقتیکه بدی کسیرا بتحقیق
بدانیم ظاهر میتوانیم کرد
ج اگر بدانیم که بدی مخفی از او سر میزند
هر چند که راست باشد نمیتوانیم ظاهر کرد بلکه پنهان
داشتن لازمست مگر ان بدی که خلاف
عقیده دین باشد یا بیوفائی نسبت
بپادشاه در اینحالت هر چند ان گناه مخفی
باشد باید ظاهر کرد تا بعمل اورده نشود

س در اینحکم چنانست که اصلا دروغ نگوییم

ج بلی از اینکه خدا عین راستیست مطلق دروغ

مقبول او نیست حتی از دروغیکه بهیچکس آزار

نرسد و بجهت نفع کسی گفته شود اجتناب لازم است

س حکم نهم کدامست

ج اینست که از زن رفیق خود آرزو مدار

س مگر در حکم ششم اشارت بمنع این نبود

ج آری در آنحکم منع بود هر گناهی را که بشهوت

رانی متعلقست خواه بکردار و خواه بگفتار باشد

لیکن

لیکن چون محافظت پاکی و اجتناب از آلودگی

بغایت در کار است و در این استقامت

نمودن بسی مشکل بنا بر آن آرزو بزن رفیق

که بیخ این گناهست بتخصیص منع آمده

س حکم دهم را بیان نمائید

ج اینست که و نه از هر چیزیکه از اوست

س این چه معنی دارد

ج اینچنین است که در اینحکم منع شده است

که آرزوی مال رفیق خود از هر چیزی که باشد مکن

تا منطلق مسدود شود و محکم بسته شود باب
نقصان و زیان رسانیدن برفیق خود
پس بیان کنید آنچه میگفتید که این
ده حکم در دو حکم داخلست
ج گفته ام که این ده حکم مذکور منحصر است
در این دو حکم که خدایرا دوست باشیم برهمه
چیز و خلق خدایرا همچو خود بخواهیم زیرا که اگر
خدایتعالی را از همه چیز دوستر داشته باشیم بهیچ
نوع از حکم او تجاوز نخواهیم نمود و یکشنبه و عیدهای دیگر

اورا حرمت تمام خواهیم داشت و در روزهاییکه
بعبادت منسوبند بتاکید تمام ایطاعتهارا
بجا خواهیم اورد و اگر خلق خدارا همچو
خود دوست داشته باشیم یعنی آنچه برای خود
خواسته باشیم بدیگری نیز همان را بخواهیم
و آنچه نسبت بخود تجویز نکنیم بدیگری پسند
ننمائیم پس در اینحالت والدین را اولا عزت
خواهیم داشت و رفیق خود را آزار نخواهیم
رسانید نه در ذات او بکشتن یا بزدن یا بسخن

یا بفروگذاشتن غزت و نه هم در باب زن
او خواه بتصرف و خواه بیه نظری و نه در مال
او بدزدیدن و نه در عزت و نیکنامی او بشهادت
دروغ و تهمت هیچیک از اینچیزها را بفعل
نخواهیم اورد و ازروی انرا نیز نخواهیم کرد

فصل ششم

در بیان احکام کلیسیا

س مگر در دین عیسویان بعضی احکام دیگر پیدا شد
ج بلی بسیار است اما در کمال شهرت پنجند

س کدامست انها
ج اول سماع قداس در روزهای یکشنبه و عیدهای دیگر
دویم اعتراف کردن اقل مرتبه یکبار در تمام سال
سیم الحاق شدن در عید بزرگ که عید قیامت حضرت
چهارم روزه گرفتن هنگام روزه کلان و در دیگر روزهای پرهیز حکمی
پنجم عشر دادن
س این پنج حکم را بطریق مختصر بیان
کنید قبل از این گفته بودید که روزهای عید
کدامست اکنون بگوئید که چه معنی دارد قداس که

که شنیدنش در روزهای یکشنبه و عیدها لازمست

ج مراد از قداس که ملیه بفرنکی میکویند
یک نماز خاصست که پادری در عبادتخانه میکند
بیاد مرک و محنتهای حضرت عیسی صاحب ما
وان را ملیباید که هر کس بتوجه دل بشنود

س چه کنیم تا توجه دل داشته باشیم
بوقت این نماز

ج سخن نکردن بکسی و هیچ چیز را بخاطر جز یاد خدا
در فکر نیاوردن و برای توجه دل بغایت

محد است بیاد اوردن انکه بخد احرف بزنیم
و حاضر هستیم پیش او

س شما میدانید بعضی ادعیه
که وقتیکه قربان مقدس را بر میدارند
میخوانده باشند

ج اری و اینست پرستش میکنیم تورا
ای صاحب عیسی مسیح و تورا هزار شکرکذاری
و ستایش بجا می اریم جهت انکه بوسیله
صلیب مقدس رهائی بخشیدی عالمیانرا

از تو درخواست میکنیم ای صاحب که گناهان ما را ببخشید

س چه دعا میخواهید وقتیکه کاس

مقدس را بر میدارند

ج اینده‌عا را پرستش میکنیم تورا ای مقدس

حضرت صاحب ما که جهت بنی ادم در وقت

صلیب ریخته شدی

س حکم دویم چه معنی دارد

ج اینکه مرد عیسوی چون بیلاغت

برسد لازمست براو که از جرایم خویش

اعتراف بکند اقل مرتبه در سالی یکبار

در ایام روزه کلان

س چرا میگویید که باید در سال یکبار

اعتراف کند مگر بیشتر جایز نیست

ج بلی جایز است و نیز حکمت که اعتراف

کند وقتیکه مخاطره اجل رسید و یا کاری

در پیش گرفت که خطر مرگ در او باشد تا از گناه

پاک شده جان بحق تسلیم کند

س بگویید که اعتراف چند شرط دارد

با توجه احسن بجا اورده شود

ج در اعتراف سه شرط لازمست

اول پشیمانی وشکستگی دل

دویم راستی

سیم درستی

س بچه نوع اظهار پشیمانی وشکستگی دل را نماید

ج باینکه گناهکار خودرا مجرم وعاصی بداند

وبهیبت وترس خدا قایل باشد بر عصیان

خویش همچون کسیکه مغفرت جرایم خود مطلبد

س چه طور است راستی

ج اینست که انچه ازاو واقعی سرزده باشد

بگوید وزیاده ازانچه کرده است نگوید ونیز پنهان

نکند انچه را مرتکب شده است وبموجب شرم

وخجالت عذری بران بدروغ نیارد بلکه انچه

واقعیست از ته دل بگوید بطریقیکه کسی بخدا

که عالم الغیب است حال خودرا ظاهر میسازد

س چه طور است درستی

ج اینست که بعد از تامل وتعقل در گناهان

خویش هر انچه بیادش اید بگوید بی انکه
چیزی را پنهان کند

س حکم سیم که است

ج اینست که بهر کس که عیسوی باشد
چون ببلاغت رسیده و واقف شد
از قربان مقدس لازمست براو که در هر سال
در وقت عید بزرگ تقرب بقربان
نموده الحاق شود

س حکم چهارم چه معنی دارد

ج اینکه بر عیسوی لازمست که روزه کلانرا
نگاه دارد و در روزهای پرهیز دیگر در گرفتن
روزه حکمت مگر شخصی که عذر و بیماری
و ناتوانی و غیره داشته باشد

س حکم پنجم که مشتملست بر عشر یعنی ده یک
چه معنی دارد

ج اینست که ده یک از اموال نقد و جنس
خودرا که قسمت خدا میباشد تسلیم
خلفا، یا کشیشان نماید

فصل هفتم

در بیان مناجاتیات

تخصیص در بیان دعائی که نماز ربانی خوانده میشود

س گفته‌اید آنچه اعتقاد باید کردن
وبعمل آوردن اکنون بگوئید آنچه از خدا باید طلبید

ج هر آنچه آرزو باید داشت واز خدا طلبید
داخلست دران دعائی که انرا نماز ربانی میخوانند

س پس ان دعارا بگوئید

ج ای پدر ما که در اسمان هستی نام تو مقدس

باد

باد پادشاهی تو پیدا شود اراده تو چنانکه
در اسمانست در زمین نان روزینه مارا
در این روز بما بده وقرضهای مارا بما ببخش
چنانکه ما قرضداران خودرا می بخشیم
ومارا در معرض ازمایش میاور بلکه از شریر
مارا خلاصی ده زیرا که پادشاهی وسلطنت
وجلال تا ابد ازان توست امین

س این دعارا که پیدا کرده است

ج حضرت عیسی صاحب ما انرا پیدا کرده است

وبدهان مبارک خود اموخته است

س از برای چه

ج تا مارا بنماز کردن بیاموزاند

س نماز کردن چه چیز است

ج جمع نمودن فکر خود را بخدا و مناجات کردن با او

س وقتیکه ای پدر ما میگوئید بکه حرف میزنید

ج بخدا صاحب خود

س خدا کجاست

ج در اسمان و در زمین و در همه جا بدون

انکه مقید باشد در جائی

س وقتیکه ان نماز ربانی را میخوانید

بکدام سخن فکر میدارید بخدا

ج باولین سخنها

س کدامند

ج ای پدر ما که در اسمان هستی

س چرا خدارا پدر میگوئید نه صاحب

ج بدینجهت که هرچند خدا خالق و صاحب

ماست اما ازینکه دوست میدارد بندگان

خود را و ایشان را فرزندان خود میخواند

لهذا بما میفرماید که او را پدر بگوییم

س دیگر برای چه

ج تا هر گاه که او را پدر میگوییم بیاد اریم ان

محبت بزرگ را که بما دارد و ازینجهت

از او عطاها درخواست کنیم بتمام امیدواری

همچو فرزندان خود و نیز ازینجهت لازم

بگیریم برخود که بپاکیزگی بسر بریم و از معاصی اجتناب

کنیم که چیزهای ناشایسته صادر نگردد

از فرزندان چنین پدر

س چرا میگوییداى پدر ما و نمیگویید ای پدر من

ج تا بیاد اریم محبتی را که باید بیکدیگر داشته باشیم

همچون برادران که هستیم فرزندان

چنین پدر نیک و ازجهت اینست که درخواست

میکنیم از خدا برای همگنان بنا براین هرچه

استدعا نماییم از خدا در اینجا برای بهبود همگنانست

س چرا میگویید که در اسمان هستی

ج تا بیاد اریم که انجاست پدر اسمانی ما

با همه خوبی و از اینجهت برکنیم دل خودرا
از چیزهای زمین

س نگفته بودید که خدا همه جا ست
پس چون میگوئید که در اسمان هستی

ج باینجهت که هرچند خدا تعالی در همه
جا ست اما برگزید اسمان را که جای خاصتر
ولطیفتر است و در انجا مپیاشد و قدرت و بزرگی
خودرا برگزیدگان خود ظاهر میکند و پایین تر
ایشانرا سعادتمندتر مدی میکرداند

س کفتید بکدام سخن از این دعا
دل متوجه میشود بخدا و امیدوار میکردد از او
اکنون بگوئید که بکدام سخن درخواست کرده
میشود عطایای الهی را و ان عطایا کدامست

ج بهمگی الفاظ این دعا درخواست میشود از خدا
هر عنایت شایسته که برای جان و تن
باید خواستن وطلبیدن

س انها که اهمند
طلب عزت و بزرگی و سعادتمندی

ماکه برای ان افریده شدیم و نیز چیزهاییکه
باعث حصول سعادتست

س بکدام سخن عزت خدا طلب کرده میشود

ج نخستین که میکوییم نام تو مقدس باد

س مراد از نام چه باشد

ج صیت نیکنامی و بزرکی خدا

س پس چه معنی دارد نام تو مقدس
باد مکر نام خدا مقدس نیست

بلی نام خدا مقدس هست ولیکن میخواهیم

که همه کس نام او را بپاکیزکی یاد کرفته و همکی
خلایق خدا را بشناسند و بپرستند و با او
بتمام عزت و ادب سلوک نمایند و چنانچه
باید و شاید او را عزیز دارند و چون بخدا تعالی
پدر میکوییم انصاف انست که از او هر ارزوییکه
داشته باشیم بخواهیم و از او درخواست کنیم که بهمه
توفیق رارفیق کرداند تا وصف او را بکویند
و عبادت شایسته بجا اورند

س بکدام سخن میطلبیم سعادتمندی را

که برای ان افریده شدیم

ج باینکه میگوییم پادشاهی تو بیاید و مراد
از پادشاهی خدا ان مرتبه ایست که در بهشت است
که در انجا رویت میسر میشود و کمال اطاعت او
بجا اورده در انجا بتمام ارام و اسودگی بسر میبرند
پس به اینسخن که پادشاهی تو بیاید درخواست
میکنیم از خدا که توفیق و امداد از او بما برسد
تا ان سعادت را بدست اریم

س چیزهاییکه لازمست برای بدست

اوردن ان سعادت که هست

ج بجا اوردن اراده خدا و طلب رزق
در وقت ضروری برای تن و جان نگاه داشتن
و بخشش جرایم و توفیق انکه مرتکب عصیان
نشویم بلکه از هر شری مخلصی یابیم و اینچیزها را
درخواست مینماییم در پنج سخن که تتمه اینده است

س ان کلمات را بیان نمایید

ج بگفتن اینکه شود اراده تو چنانکه در اسمانست
در زمین یعنی درخواست میکنیم از خدا توفیق

و معاونت را تا دین خدا را کما ینبغی نگاه
داشته باشیم و اطاعت او را که در همه چیز
میفرماید و اشارت باراده خود میفرماید بجا آریم
و درخواست میکنیم که اطاعت را مردم در زمین
چنان بجا آرند که ملائکه در آسمان
س بکدام سخن رزق ضروری طلبیده میشود
ج بانکه میگوییم نان روزینه مارا در این روز
بما بده که مراد از نان طعامست و هرچه برای
معیشت بکار آید هرچند برای زیستن بسیار



چیزها در کارست لیکن از اینکه بجز رزق لابدی
و احتیاج طلب نداریم و بقوت لایموت قناعت
ورزیم از همه چیز دیگر گذشته تا نرا میطلبیم
س برای چه میگویید نان روزینه مارا
ج تا معلوم شود که باید قانع شویم بانچه از امانت
و حلالست بر ما و طلب نداشته باشیم چیزیرا
که فی الحقیقه بر ما حرامست
س چرا میگویید در این روز بما بده
ج زیرا که خدا تعالی راضی نیست برانکه

اسباب معیشت زمان مستقبل را از روی
حرص در زمان حال طلبیده و ذخیره نماییم بلکه
میخواهد که انچه امروز ضروریست همان قدر اکتفا
کنیم و غم روزی فردا را نخوریم بلکه امیدوار
باشیم که کسی که صاحب ماست و امروز را
روزی داده است یقین که فردا اگر استدعا
نماییم البته خواهد رسانید

س چه معنی دارد و قرضهای ما را بما ببخش

ج مراد از قرض خطاهاست و سیاتست که

بموجب خطا لازمست بر ما که این از قرضها است ادا
و چون خود را مجرم و عاصی میشناسیم بتضرع
و شکستگی امرزش میطلبیم

س چرا میگویید چنانکه ما قرضداران خود را میبخشیم

ج باینکه واجب گردانیده است خدایتعالی
که ما نیز بخشیم بدیهاییکه از مردم بما میرسد زیراکه
او بدیهای ما را نخواهد بخشید تا اینکه ما بدیهای
برادران خود را عفو نماییم

س چه معنی دارد و ما را در معرض ازمایش میاور

ج انست که با وجود انکه خدا یتعالی عصیان
مارا بخشیده اما هنوز ملاحظه داریم که بموجب
بی استقلالی پای ما از صراط المستقیم بلغزد
و مرتکب کردار نا شایسته شویم بنابراین از خدا
مسئول ما اینست که نگذارد مارا تا بیفتیم در مغاک
ضلالت بموجب رضائی که بازمایش و وسوسه
شیطان داده باشیم بلکه درخواست میکنیم
از خدا که تجویز ننماید که ازمایش و وسوسه
شیطان انقدر بر ما مسلط گردد که راضی

مان گشته

بان گشته که ازجا در ائیم
س در انسخن که میگوئید بلکه از شریر
مارا خلاصی ده چه مراد است
ج مراد از شریر هر چیزیست که مضر جان تواند
بود و مانع اید از عنایت و عبادت خدا
س چه معنی دارد زیرا که پادشاهی
و سلطنت و جلال تا ابد از ان توست
ج اینست که میان امین دعا خواهش
کردیم که پادشاهی تو بیاید یعنی بهشت

وحصول رویت خدا و اصل این پادشاهی
تا ابد از ان خداست و سلطنت که
بمعنی قدرت نامتناهی باشد ان هم مخصص
اوست و میتواند که از این قدرت خود ما را
بهشت جاودان کرامت فرماید که
موجب جلال او کردد

س چه معنی دارد امین

ج نشان ان ارزوست که داریم که بیابیم
هر انچه از او میطلبیم زیرا که اصل معنی

امین اینست که چنین باد

فصل هشتم

در بیان دعائی که از اسلام ملائکتی میکویند

س خوب کفتید که در این دعا هرچه
ارزو از خدا باید طلبید داخلست و معلوم میشود
که انرا اموخته است حضرت عیسی صاحب
دانش لیکن بجز آن دعای دیکر دارید

ج آری

س کدامست

ج انکه اورا سلام ملائکتی میکویند

س بکویید انرا

ج سلام بر تو ای مریم پر نعمت از عنایت
خداوند با توست مبارکی در میان زنان
و مبارکست میوه شکم تو حضرت عیسی ای مریم
مقدس مادر خدا دعا بکن برای ما کناهکاران
اکنون و بهنکام مرک ما آمین

س ایند عارا که پیدا کرد

ج بعضی ازانرا جبرئیل و پاره را الیصابات

وچند کلمه دیکر از کلیسیای مقدس ملیپاشد بحکم آلهی

س وقتیکه ایند عارا میخوانید با که حرف میزنید

ج بجناب مریم

س کیست مریم

ج خاتونیست پر از انواع نیکیها
که مادر خداوندست و در اسمان ملیباشد

س از اینخاتون در ایند عا چه میطلبید
مکر از او امرزش عصیان میخواهید یا شاستکی بهشت یا

ج میطلبیم که وکیل و شفیع ما باشد نزد خدا تعالی

تا ازاو چیزهای مذکور وغیره را برای ما تمنی کنند وستانند

س اینددعا را کدام وقت میخوانید

ج اکثر اوقات ازا میخوانیم بعد ازان دعائیکه

اورا نماز ربانی میخوانند

س برای چه

ج تا درخواست کنیم ازانجناب که درپیش

خدا شفاعت کند که انچه مطلب ما دران دعاست

به هم چون کسیکه چیزی ازپادشاه میطلبد

ویکی ازبزرگان وسیله او میشود تا باو برسد

اسدعا را

س ایندعا را بیان کنید

ج در ایندعا سه چیز بعمل می اریم

اول میفرستیم سلام بحضرت مریم

دویم پاره از ستایش او میکنیم

سیم انچه درکار داریم ازاو میطلبیم

س بکدام سخن اورا سلام میفرستیم

ج باینسخن که سلام بر تو ای مریم

س این از برای چه

ج چرا که اینچنین گفت جبریل فرشته

خداوقتیکه ازخدا [١١٠] نازل شد پیش او

س ثواب دیکر هم هست

ج اری اینست که چون سلام فرشته را

ماهم میکوییم بیاد می اریم انرا و انمژده را که جبرئیل

اوردتا اورا الهی بخشد که خدا یتعالی برکزیده اورا بجهت

مادری پسر حقیقی خود وبا یکلمه اورا ازجانب

خود راغب میکنیم تا هرچه باو التماس

داریم بکوشش رضا بشنود

س چه ستایش میکنید اورا درانیدعا

ج چهار ستایش [١١١] بزرک

س اولین را بکویید

ج پر نعمت از عنایت

س چه معنی دارد پر از عنایت

ج اینست که از عنایت و عاطفت ایزدی

نعمتی نتوان یافت که بطور بلند در او نباشد

س دویم ستایش کدامست

ج خداوند با توست

س بچه معنی

ج اینکه همیشه خدا تعالی با او بود و پناه
دهنده اش از هر بدی و توفیق بخشنده اش
برای هر نیکی شد تا هر جرم از جرایم هر چند
صغیره باشد از او سر نزند و پیوسته در افعال
شایسته الهی مشغول باشد بی انکه شیاطین
سد راه مکارم اخلاق او کردند

س سیم ستایش کدامست

ج مبارکی در میان زنان

س بچه سبب

ج زیراکه انجناب فضیلت و ترجیح داشت
بر همه زنان که از روی خارق عادت مادری
او مانع دختریت و بکارت نشد و بکارت
او مانع مادری نگردید چنانکه در مونثات
دیگر معمولست و اینکه گفته میشود که مبارکی
در میان زنان از این جهت است که برگزیده شد از روی
پاکیزگی و علو درجات تا ما در حضرت عیسی باشد

س چهارم ستایش کدامست

ج اینکه ما در حضرت عیسی شد

س در کجاست این ستایش

ج در اینکه مبارکست میوه شکم تو حضرت
عیسی وفی الحقیقه ستایش عظیمست نسبت
بزنی که از شکم او ولدی فاضل عالی نژاد
براید وچون حضرت عیسی بر همگنان زیاده
فضیلت ورجحان داشت بغایت ستایشیست
بزرک که مادر چنان کس باشد

س این ستایشها از دهان که برامد

ج سه ستایش نخستین اورا جبریل کفت

وقتیکه مژده داد اورا که حضرت عیسی از او
تولد خواهد شد وستایش چهارم را الیصابات
زن مقدسه نیکه مادر یحیی پیغمبر بود بران افزود
بتلقین ایزدی چنانچه در انجیل مکرم ثابتست

س کدامست ان چند کلمه که کلیسیای
مقدس الحاق نموده است درایند عا بحکم الهی

ج ای مریم مقدس مادر خدا دعا کن برای ما
کناهکاران اکنون وبهنگام مرک ما

س چرا میکویید مریم مقدس مادر خدا

باینجهت که باین دو کلمه منحصر میشود هر ستایش
وتعریفیکه نسبت بجناب مریم میتوان گفت

س از برای چه

ج برای اینکه هرگاه اورا مقدس میگوییم
فی الحقیقه از هر گناهی که جان پاک را الوده و کثیف
میسازد او مقدس و پاکست و باینسخن که مادر
خدا گفته میشود اورا بزرگترین ستایش کرده ایم
که هیچگونه وصفی مثل ان نمیباشد

س این چه طور تواند بود که خدا مادر

داشته باشد

داشته باشد ویا از زنی تولد یابد

ج ما نمیگوییم که خدا مادر دارد ویا از زنی
پیدا شده است چنانچه سابقا هم یکبار گفتیم
بلکه میگوییم که حضرت عیسی خدای حقیقی بود وهم
ادم حقیقی زیرا که هم ذات الهی دارد
وهم ذات انسانی بنا بر ذات الوهیتش
جناب مریم مادر خدا نامیده میشود چنانچه زنیکه
مادر پادشاهست نه از حیثیت انست که پادشاهیت
ازاو تولد یافته مگر ازاینجهت است که مادر

کیست که پادشاهست و نیز زنی که مادر عالمیست
نه از جهت انست که علم از او تولید یافته باشد
بلکه از اینجهت است که مادر کسیست که صاحب
دانشست و بنا بر ذات انسانیتش تولد یافته
شد با وجود ادمیت نه خدائی

س انچه درکار داریم و از او میطلبیم
در اینده عا چه چیز است

ج اینست که اظهار احتیاج و عجز خود را
بیان مینمائیم باینکه خود را گناهکار میگوئیم

یعنی خالی از خوبیها و شایستگیها و فی الحال
از او میخواهیم که بدعا در ضروریات ما را مدد نماید

س مگر نمیخواهید که جرایم شما را اخطا
عفو بکند و بهشت جاویدانی ببرد

ج نه زیرا که بغیر خدای یگانه این کر امترا
نمیتواند نمود ولیکن چون انجناب برای پیش
خدا تقرب تمام پیدا شد از او میخواهیم که اینچیزها را
از خدا درخواست نماید و ورای انها
انچه ما را درکار باشد

س برای چه میگوئید اکنون و بهنگام مرگ ما

ج برای اینکه دور از عقلست موقوف
داشتن چاره نیکی و بدی را بوقت دیگر چون
کسی مطلع نیست که بکدام وقت ودیعت ایزدیرا
که عبارت از جانست خواهد سپرد بنابرین
ازاو درخواست مینمائیم که مدد کند ما را درینحال
که هستیم و در این ضروریات که داریم

س چرا نیز میگوئید بهنگام مرگ ما

ج زیرا که مرگ شایسته حرمت درهمگی

زندگانی و علاجیست برای جرایم عمر گذشته
و درانوقت اکثر درد و رنج بدن افزاید و غم
جان و وساوس شیطان هجوم میکند
و اگر دران هنگام ابلیس استیلا یافت
اهل ضلالت شدیم و کار از علاج رفت بنابرین
مخصوصا استدعا مینمائیم از مریم مقدس
که درانوقت هدف ناوک را معاون باشد
که خطر عظیمست و سلامتی و چاره کار وابسته بانست

س چه معنی دارد این

ج قبل ازاین هم گفتیم که این لفظ مشتملست
بدینمعنی که ارزو داریم که اینچنین باشد

فصل نهم

در بیان توجه بجناب مریم و غرت صورتها

س چنانچه ازجناب مریم درخواست
میکنید که در ضروریات و هنگام مرگ
برای شما دعا بکند ایا از اولیای دیگر همین مطالبه را مینمائید

ج اری همه را دراین درخواست شریک میسازیم
خصوصا بعضی اولیا را که با ایشان توجه خاص داریم

س انها کدامند

ج ازان اولیا میباشند که با ایشان
همنامیم و نیزان ولیت که در انروز اسم
وعید اوست و از فرشتگان ان
فرشته را که نگاهبان ماست

س چه میخواهید با ایشان

ج هرروز ان دو دعا را که نماز ربانی و سلام
ملائکتی میگویند میخوانیم بنام اولیای همنام
خود و نیز بنام فرشته که محافظت کنند ماست

وهم بر اینمنوال بعضی از اولیای خاص را

س چونست که بنام اولیا دعای

ربانی وسلام ملائکتی را میخواهید

ج باینجهت دعای ربانیرا بنام ان ولی میخوانیم

که از خدای درخواست نماییم که بشفاعت او انچه

از خدا میطلبیم کرم فرماید وان سلام ملائکتی را

در نزد جناب مریم میخوانیم نیز بنام ان ولی تا مددعای

مارا از درگاه ایزدی حاصل کنند

س جناب مریم را بغایت میخواهید

ج اری بی نهایت چرا که فی الحقیقه او پاکترین

از همگی مخلوقاتست واوست که بجهت امداد ما

قادرترست پیش خدا وبدعا بیشتر مهربانی

میلنماید بر عاصیان نزد خدا

س از انصاف هست که او را بسیار

دوست داشته باشید ومکرم ومعزز دارید

چرا که لیاقت دارد ولیکن صورت او را

برای چه با خود دارید

ج تا همواره از یاد او غافل نباشیم

س چرا اینصورت را مانند صورت
جان دار عزت و حرمت میکنید

ج از اینجهت انصورت را محترم میداریم
که صورت جناب مریم است چنانچه انجیل مقدس را
از روی تعظیم بر سر مینهیم و بوسه میدهیم
و عزت میکنیم زیرا که ان نوشته را منظور
داریم که در وی سخنان ربانیت و فرمان
پادشاهیرا تعظیم از ان رهگذر میکنیم که
فی الحقیقه در ان پادشاهرا میبینیم که از وقت

و پیغرتی بان منسوب بپادشاهست

س خوب لیکن از برای چه در وقت
نماز انصورت را در مقابل مینهید چنانچه
گویا با او حرف میزنید

ج ما وقتیکه دعا میخوانیم بصورت سخن
نداریم لیکن خوش می اید ما را که انرا در انوقت
در پیش داشته باشیم زیرا که دیدن ان
بسیار امداد میدهد برای توجه دل و
چون صورت انرا میبینیم از انجناب یاد

می اید که اوست و با او سخن میکوییم چنانچه
کویا حاضر است و در جاهاییکه صورت جناب
مریم مختلف در انجا پیدا شد خدا تعالی
لطف بسیار میکند و کرامت عجیب مینماید بحضور
ان صورتها بشفاعت خجسته مریم و انچنان
خوارق بجای دیکر تمیز نه همین طور است
صورتهای حضرت عیسی صاحب ما و اولیای او
خصوصا صورت صلیب مقدس

س و رای اینده عاکه نماز ربانی و

سلام ملائکتی میکویند دعای دیکر دارید
که میخوانده باشید

ج بلی بسیار است که از انجیل مجید و زبور
و دیکر صحیفه پیغمبران براورده اند و ادعیه دیکر
هم هست که اولیاء الله تصنیف نموده اند موافق
احوال ما و ضرورتی که پیش ما می اید

فصل دهم

در بیان هفت اسرار مقدس متعارف در کلیسای مقدس

س کفتید در باب انچه از خدا تعالی

استدعا باید نمود اکنون بگوییه بکدام
وسیله خدا تعالی عنایت میکند بر بندگان خو
ج چیزهائیکه برای ایشان در کار است
و هشت مغفرت عصیان و عنایت ایزدی
بر خطا کاران میشود مخلصتها و مرگ حضرت عیسی
صاحب ماست و انهمه سعادت و برکت که در زحمات
صعب برای ما عاصیان اماده فرموده
میرسد بما بطفیل این هفت سر
مقدس که مانند جوئیست از ان منبع

عنایت و مرحمت
س سر مقدس چه چیز است
ج نشان نیست ظاهری که اختراع
نموده شده است از حضرت عیسی
صاحب ما از برای اینکه ظاهر
نماید ما را
س چنان سر مقدس چند است
ج هفت
س کدام است

ج اول غسل تعمید
دویم اثبات
سیم الحاق شدن
چهارم توبه
پنجم مالید کی واپسین
ششم ترتیب کهنوت
هفتم نکاح
س آیا این هفت اسرار لازمست
برهمگی عیسویان که بجای ارند

ج نه از انجمله پنج لازمست خاص و عامرا
و در ان دو دیگر اختیار دارند
س ان پنج که ضروریست کدامست
ج غسل تعمید و اثبات و الحاق شدن
و توبه و مالیه کی واپسین
س و ان دو که اختیار دارند کدامست
ج ترتیب کهنوت و نکاح
س این هفت سر را یک شرح نمایی
ج بسیار خوبست

س گفته‌ئیه که نخستین غسل تعمید است

بگوئیه ان چه چیز است

ج شست وشوی ظاهر بدنست بنام

اب و ابن و روح القدس آمین

س جهت این شست وشوی هر گونه

اب که باشد کافیست

ج اری بشرطیکه اب اصلی باشد

س فایده غسل تعمید چه چیز است

ج اشارتست بعملیت که دران بجان

سرایت میکند یعنی شستن و پاک گردانیدن

ازلوث هرگونه معاصی

س این سر مقدسرا که میتواند

بعمل اورد

ج انکه اینکار مخصوص باوبت کاهنت

اما بحکم ضرورت اگر کاهن نباشد تجویز داشته‌اند

که هر فردی از عیسویان خواه مذکر و خواه

مونث باشد میتواند که این شست وشو را

بدهد بشرطیکه مطلبش حکم حضرت عیسی

باشد و قاعده نیت را بداند و انچه
لازمست بگفتن بگوید

س این سر مقدس را که میتواند
اخذ نماید

ج هر انسانی خواه مرد و خواه زن باشد
زیرا که بهشت نتواند رسید اگر نخست این
غسل تعمید را نگرفته باشد با نیت صحیح

س طفلان که هنوز ببلاغت نرسیده اند
گرفتن ان برایشان لازمست

ج اری زیرا که بی ان اصلا ببهشت
نتوانند خرامید

س این سر مقدس را چه نوع
میتوانند گرفت چون هنوز ببلاغت
نرسیده اند و اگهی ندارند از اینکه مرتکب چه میشوند

ج چون باراده غیر یعنی ادم بعصیان
والودگی که بان زائیده میشوند افتاده اند
هم بر انمنوال بعنایت حضرت عیسی ازین سر
مقدس تمتع میگیرند طفلان برای

اینست که راضی میشود حضرت عیسی
که پدران یا مربیان طفلان اراده
گرفتن این را داشته باشند

س سر مقدس دویم کدامست

ج اثبات

س اثبات چه چیز است

ج یک مالشت بروغن مقدس که انرا
میرون میگویند بنام عیسی مسیح داده میشود

س فایده اثبات چه چیز است

ج توفیق خاص میبخشد برای مستقیم
بودن در دین انجیل محبه که گرفته باشند

س اینسر مقدس را که میتواند بعمل اورد

ج اسقف و با اذن کلیسیای مقدس
کاهن هم میتواند بعمل اورد

س اینسر مقدس را که میتواند اخذ نماید

ج همگی عیسویانیکه غسل تعمید بجای اورده
ببلاغت رسیده باشند زیرا که در حد
بلوغ میتوانند در قرار دین خود دستی

نمایند لهذا درانوقت باید که این سر
مقدسرا بگیرند تا راسخ و مستحکم باشند
وازاین رهگذر است که بطفلان داده
نمیشود که ببلاغت نرسیده اند
س سر مقدس سیم کدامست
ج الحاق شدن که بزبان یونانی
اِکواریستی آمیگویند وازروی بزرگی
اورا سر طاهر و پاک میخوانند
س چرا اینچنین میخوانند

ج زیراکه ان فاضلتر است ازهمه اسرار
س چرا فاضلتر است
ج باینجهت که در اسرار دیگر توفیق ازانها
داده میشود اما در این سر بزرگ نه همین
توفیق ازاو داده میشود بلکه بتحقیقت همان
حضرت عیسی میباشد که درزیر ترکیب
نان و شرابست تا قوت روح ما باشد
س چه وقت حضرت عیسی درزیر
ترکیب نانست

ج در همان وقتیکه کاهن در میان قربان
مقدس میخواند بروی نان این سخنرا که
در انجیل مجید است این بدن منست
س چه وقت حضرت عیسی در زیر
ترکیب شراب است
ج در همان وقتیکه کاهن در میان قربان
مقدس میخواند بروی شراب این سخنرا که
که در انجیل مجید است این خون منست
س فایده الحاق شدن چه چیز است

اینست که باعث

ج اینست که باعث برپا داشتن و افزودن
زندگانی جان و محبت و خوشنودی خداست
س چه چیز باید کرد که این سر
پاک بشایستگی گرفته شود
ج سه چیز
س آن کدام است
ج اول عقیده درست داشتن بانیکه در آن
خواهیم گرفت حضرت عیسی صاحب خود را
دویم توبه کردن از گناه و کوشش

نمودن تا جان خود را پاک کنیم و در

خوشنودی خدا باشیم

سیم امساک مطلق نمودن بمعنی که از

نصفه شب تا هنگام گرفتن ان هیچ چیز

چیزی اکل و شرب ننموده باشیم

س کیستند انهاییکه باید این

سر طاهر را بگیرند

ج کسانیکه در حیات میباشند و غسل تعمید یافته اند

س در عرض سال چند دفعه گرفتن

این سر بر ایشان لازمست

ج اقل مرتبه یکبار در هنگام فراقت

از روزه کلان

س سر مقدس چهارم کدامست

ج توبه

س توبه چه چیز است

ج بخشش جرایمیت که بعد از غسل

تعمید بظهور پیوسته باشد

س اینسر مقدس را که میتواند بعمل اورد

ج ان کاهن شایسته که پیشوا اورا
بعد از ازمودن وپرسش کردن درهر بابش
برگزیده واذنش داده باشد در انوقت
ان کاهن بعد ازانکه ازجرایم عاصی اگاهی
یافت وحالتشرا بمقام دانش خود سنجید
وحکم بپاداش اعمال ذمیمه اورا فرمود
همگی خطایای اورا می امرزد بمجرد بر زبان کلمات
مغفرت وامرزش جاری ساختن
لحق بغایت پسندیده است که بر عاصی حاکم

عدالت کیش باشد که گناهکاران بعصیان
خودشان اورا اگاهی بخشند زیرا که هیچکس
برخود بدرستی حکم نتواند کرد ونیز نکوهش
وملامت ومواعظ دلنشین طبیعتیرا که بیشتر
مایل گناهست بجانب صلاح واجتناب
ازمعاصی میکشد وملاحظه افشای افعال
ذمیمه ادمیرا ازارتکاب ناشایستگیها باز
میدارد لیکن سخت دشوارست که راز پنهانی
که اظهاران باعث خجالت میشود باهیچ خودی

در میان نهند ولی از اینکه در ضمنش فواید
کلیت پس انسب است که پیش یکی از دینداران
راستی کیش اعتراف بر معاصی خود
نماید چنانچه شخص مجروح بجراح جراحت
خود را مینماید هرچند برشرمگاه او
باشد بتخصیص که حضرت عیسی در این باب
علاجی شگفت فرموده است باینکه
کاهن پس از اطلاع بر اعتراف عاصی
بتاکید ممنوع است که صغیره از صغایر اورا

نزد احدی بر زبان نراند هرچند مخاطره
جان و بیم قتل در پیش اید

س این مقدسرا که میتوانند اخذ نمایند

ج همگی عیسویانیکه بعد از غسل تعمید مرتکب
گناه کبیره شده باشند

س کدام وقت ضرور است که این سر را بگیرند

ج اقل مرتبه یکبار در سال ایام روزه
کلان و وقت نزع و در ابتدای کاری
که در ان مخاطره مرگ باشد زیرا که اگر مرگ

کبیرا در حالت پاکیزگی و درستی عقیده دار بر
جانش بسلامت رود

س بر عیسویان چند بار لازمست که اینسررا بگیرند

ج هر وقت که خواهش داشته باشند
وگناه از ایشان سر زند زیرا که چون بشریت
و خو کرده بمعاصی اورا بغایت مفید است که
گاه گاهی در سال اینسررا گرفته باشد

س سر مقدس پنجم کدامست

ج مالیدگی واپسین

س مالیدگی واپسین چه چیز است

ج مالیدگیست بر بعضی از اعضای بدن
مریض بروغن متبرک با کلمات چندی که از برای
اینسر وضع شده است واین مالیدگی
از برای نجات روح و بدنست

س از چه روغن اینمالیدگی حاصل میگردد

ج از روغن زیتون که اسقف اورا متبرک نماید

س اینسر مقدسرا که میتواند بعمل آورد

ج کاهن

س بچه کس وکدام وقت داده
میشود این سر

ج بعیسوی که غسل تعمیدیافته وبلوغ رسیده
ودرمیان مرض صعب بوده وقریب الموت باشد

س اینمریض بچه قسم میباید سلوک
کند که مهیا وقابل دریافتن اینسر گردد

ج باید که ابتدا ابشرافت توبه نمودن خودرا
چنان ازالودگی عصیان پاک ومنزه دارد
که لیاقت دریافتن اینسر مقدسرا داشته باشد

س فایده اینسر مقدس ازبرای
نجات روح چند چیزاست

ج چهار چیز

س بیان فرمایید

ج اول انکه اینسر تقویت روح مریض
میکند که دروقت ارتحالش ازاینکه وسوسه
وازمایش وظلم شیطان درمقابلت ازاو
فریب نخورد وبراو فایق اید ونیز هوشمند
میشود که استیلای مرض اورا ازجا بدر نبرد

وراضی بقضای خدا باشد

دویم انکه موجب بخشیدن کناهان کبیره میکردد
که در وقت اعتراف توبه با وجود فکر نمودن
بخاطرش نکذشته واقرار نکرده باشد

سیم انکه باعث بخشیدن کناهان صغیره میکردد

چهارم انکه سبب امرزش بقیه کناهان میشود
وان باینمعنی است که چون شخص مریض عاصی
بعد از توبه از عصیان همینکه بصرافت اعمال
زشت خود می افتد دل تنک کردیده حالت
خشم

خشم براو مستولی میشود وبجائی میرسد
که منجر بناامیدی از رحمت الهی میکردد
وهمین یاس اورا بازمیدارد از افعال
واعمال واقوال حسنه دیکر لهذا اینسر موجب
اطمینان خاطر او کردیده رفع این بقیه
کناه اورا میکند

س فایده اینسر مقدس از برای
نجات بدن چه چیز است

ج خلاصی از ناخوشی وحیات بدنست

س سر مقدس ششم کدامست

ج ترتیب کهنوت

س کهنوت چه چیزاست

ج چیزیست که قوت میبخشد برای دادن
سایر اسرار و بچرانیدن جانهای مردم درکار دین

س اینسر مقدسرا که میتواند بعمل آورد

ج اسقف

س اینسر مقدسرا که میتواند اخذ نماید

ج آن عیسوی که خودرا باختیار بعبادت

خدا و برای سلامتی عیسویان تفویض نموده
و در وقوف کارهای دینی و دنیائی کاملست

س سر مقدس هفتم کدامست

ج نکاح

س نکاح چه چیزاست

ج که خدائی و شرطیست که زن و مرد
در وقت تجویز بایکدیگر میبندند که تا دم واپسین
بحقیقت در وفاداری زیست نمایند

س اینسر مقدسرا که میتواند اخذ نماید

ج انانکه ببلاغت رسیده اند و قابل
توالد و تناسل شده اند واین برای زنان
اکثر اوقات در دوازده سالکیست و برای
مردان در پانزده سالکی

س با چند زن کدخدائی جایز است

ج بایکی چنانچه یک زن یک شوهر بیش
نمیتواند کرفت بهمین منوال یکمرد هم بغیر از
یک زن در عقد نکاح نتواند اورد

س اینسر مقدسرا که میتواند بعمل اورد

ان کاهن

ج ان کاهن که چوپان و خبردار انهاست
که کدخدا میشوند و بعد از تشخیص اینکه
مانع کدخدائی چیزی نبوده باشد ایشانرا
بحضور کواهان عقد میبندد و از شرایط
کدخدائی یک بیک ان هر دورا اکاهی میبخشد

فصل یازدهم

در بیان فضایل نیکوئیها

س چیزی دیگر داخل دین عیسویان
هست که دانستنی باشد

ج اری بسیار چیزهاست که شایسته
فهمیده نست وهمه از برای زیستن مواقق رضای
ایزدی میباشد

س که اهند

ج نیکوئیهاست که باید پیروی ان
بکنیم وعطایای روح القدس وسعادتمندی
وکارهای رحمت که دران باید مشغول شویم
وجرامیکه ازان احتراز نمائیم
وچهار چیز واپسین

نخست

س نخست بگویید بمن که نیکوئیها چنداست

ج بسیار خصوصا هفت که ازانجمله سه نیکوئیها
فضایل الهی خوانده میشود وچهار دیگر را
کردنده کی میگویند

س انسه که فضایل الهی است که اهند

ج ایمان وامید ومحبت بخدا

س چرا اینها الهی خوانده میشوند

ج زیرا که بخصوص تعلق بپرستش ایزدی دارند

س ایمان چه چیز است

ج فضیلت یاقدریست که بان بعقیده
درست یقین میدانیم انچه را خدایتعالی
الهام کرده است و از این رهگذر که او الهام
کرده است قبول میکنیم هرچند که سخت و مشکل
و بیرون از عادت و روش طبیعی باشد

س این عقیده درست برچه چیز تکیه دارد

ج برراستی قول خدا که چون میدانیم
که خدایتعالی غلط نمیتواند گفت و بکسی مغالطه
نمیدهد بنابراین همینکه دریافتیم که خدا

چیزیرا گفته است لازمست برما که بدانیم واقعیست
هرچند که عقل ضعیف ما بکنه ان نرسد

س از که معلوم ما شود که خدا چیزیرا گفته است

ج از کلام مجید او که در کتابهای الهیست
و بموجب شهادت دادن جانشین حضرت
عیسی که اورا جناب پاپا میگویند و باو
مقرراست که دراین باب غلط نگوید زیرا که
حضرت عیسی در انجیل مقدس برای صلاح
امت خود باو اینچنین قول و قرار داده است

س امید چه چیز است

ج فضیلت یا قدرتیست که اراده را بر می انگیزاند

وهمت میدهد که بموجب ارتکاب بر اعمال

نیک سعادتمندی بهشت را دریابیم

س تکیه این امید برچه چیز است

ج برهمت بینهایت خدا و درد و محنتها

و مرگ حضرت عیسی صاحب ما

س همین بس است

ج نه زیرا که از جانب ما نیز در کار است

که اجتناب از معاصی کنیم

س محبت چه چیز است

ج فضیلت یا قدرتیست که بان دوست

میداریم خدایتعالی را بالاتر از همه چیز از برای

خودش و رفیقان خودمان را برای خدا

س تکیه این محبت برچه چیز است

ج بر اینکه ادمی ربوده خوشیهای گیتی

نگردد و ازانها زیاده برنگیرد تا انکه موجب سد

راه محبت خدایتعالی و رفیقانش نیاید

س انچهار که گردنده کی هست کدامند

ج ادراک و عدالت و شجاعت و اعتدال

س چرا اینچهار چیزرا گردنده کی مینامند

ج باین سبب که همه افعال و اعمال حسنه
بروز براین چهار چیز گردش دارند مثل
انکه جمیع اجزای خشبیت که در در هست
بربالای پاشنه ان میگردد

س ادراک چه چیز است

ج فضیلت یا قدرتیست که بان تمیز حسن

وقبح اشیارا و میانه روی درانها داده میشود

س تکیه ادراک برچه چیز است

ج براینکه همیشه بخاطر اورد زمان ماضیرا
و با قانون درزمان حال بوده و هوشیار
در مستقبل باشد

س عدالت چه چیز است

ج فضیلت یا قدرتیست که بان ادمی
مامور میشود که درمیان عباد الله بدرستی
وراستی و دائمی حق و انصاف

هر کسیرا ادا نماید

س تکیه اینعدالت برچه چیز است

ج براینست که در همه چیز عادل باشد
وحق هر کسیرا ادا نماید واحدی را متضرر
نسازد ونفعش عام گردد ورضا ومنون
برداده خدایتعالی بوده حسد در نیکوئیهای
سایر مخلوق نبرد

س شجاعت چه چیز است

ج فضیلت یا قدرتیست که بان مغلوب

ملنماید هر چیزیرا که خلاف امور حسنه است

س تکیه اینشجاعت برچه چیز است

ج براینست که شکست بدهد ارزوهای
نفس خودرا ووسوسه شیطانرا وفریب
دنیارا ونیز در مقامیکه ضرورت اقتضا بجهت
سبحانیت وکبریایی خدایتعالی حاضر باشد
ازبرای قتل شدن

س اعتدال چه چیز است

ج فضیلت یا قدرتیست که بان ضبط عنان

ارزوهای لهو ولعب نفسرا میلنماید

س تکیه این اعتدال برچه چیزاست

ج براینست که درجمیع جهات تکیه ارزوی
ادمی بان متعلقست مطابق حکم خدا رفتار نماید

فصل دوازدهم

درپیان عطایای روح القدس وسعادتمندیها

س عطایای روح القدس چنداست

ج هفت

س کدامست

ج حکمت ودانشمندی واسرار وقدرت
ومعرفت وترس وخداپرستی

س بچه کار می ایند این عطایا

ج ازهرچیزی زیادتر وبالاتر محرک میشوند
درکمال عبادت خدا

س پس هریک رابیان فرمائید

ج چونکه میخواهیم بوجه احسن درحیز تقریر
اوریم ناگزیریم براینکه ازاخرین شروع
نموده تا باول ختم شود چنانچه کسیکه بنای

بالا رفتن دارد اول بپایین ترین مرتبه
که نزدیک بزمینست قدم میگذارد

س خوب اینچنین باشد اکنون بگویید
که بچه کار می اید ان عطیه که خدا پرستیست

ج باینکه این عطیه تحریص میکند که اعتقاد
کنیم بزرگواری خدارا بیرون از اندازه
وصف ومتعارف وبراستی ودرستی
پیروی کلامهای صحیح خداوندی را نماییم

س بچه کار می اید انعطیه که ترست

ج بسیار دور میکند مجرم را از جرایم
خود ومنشا شرم او میشود که بکلی احتراز
کند از مناهی خداوندی

س بچه کار می اید انعطیه که معرفتست

ج روشنی میدهد فهم را باینکه مقابله
کند چیزهای دارین را بیکدیگر و برا و
واضح میشود که دل بستگی بزخارف این
دنیا مذمومست وتوجه بامور اخرت
بغایت ممدوح

س بچه کار می اید انعطیه که قدرتست

ج قوت بی انتها می بخشد ادمیرا که بهیچ
خوفی تقصیر در عبادت ایزدی نکند

س بچه کار می اید انعطیه که اسرارست

ج باینکه فریب نخورد از وسوسه شیاطین
که شیوه و عادت انهاست که چون بزور
نمیتوانند گمراه ساخت سعی میکنند که بنمونهای
باطل مردم را از راه برند

س بچه کار می اید انعطیه که دانشمندیست

ج باینکه بکنه اسرار الهی بمعاونت
عقل پی برد

س بچه کار می اید انعطیه که حکمتست

ج میشناساند از هر چیزی پیشتر و بالاتر
باد می خدایتعالی را و انچیزهاییکه متعلق باوست

س سعادتمند بیها چندست

ج هفت

س بگوئید انهارا

ج اول سعادتمند انند انانکه در روح

مسکینند زیرا که ملکوت اسمان ازان ایشانست

دویم سعادتمندانند حلیمان ازانکه وارث
زمین خواهند شد

سیم سعادتمندانند انانکه حزین هستند
بجهت انکه تسلی خواهند یافت

چهارم سعادتمندانند انانکه گرسنه و تشنه
برای عدالتند که سیر خواهند گردید

پنجم سعادتمندانند ترحم کنندگان
که ترحم کرده خواهند شد

ششم سعادتمندانند پاک دلان که ایشان
خدا را خواهند دید

هفتم سعادتمندانند صلح کنندگان زانجا که
فرزندان خدا خوانده خواهند شد

س اینسعادتمندیها را که اموخت

ج حضرت عیسی صاحب بدهان مبارک خویش

س برای چه

ج بجهت اموختن بما اینکارهای بزرگرا
وبعمل اوردن انهارا

سس برای چه اینها خوانده میشوند
سعادتمندیها

ج بجهت انکه هرکس که باینها پیروی
میکند در عالم سعادتمند خواهد شد
بلکه در این عالم نیز نه باسعادتمندی
و اسودکی کلی بسر خواهد برد

سس اینسعادتمندیهارا بطریق
اختصار دربیان آرید

ج سه اولین دافع موانع عبادت

ایزدی میباشد و چهار دیگر موجب پیروی
نمودن بافعال حسنه میگردد

سس موانع کدامند

ج ارزوی مال وارزوی جاه وارزوی
خوشی نفس

سس سعادتمندی اولی چه نتیجه میبخشد

ج اینکه از ارزوی دنیوی دل برکنیم
چنانچه میفرماید که سعادتمند انند انانکه در
روح مسکینند زیرا که ملکوت اسمان ازان

انهاست یعنی انانکه از صمیم قلب مال و متاع
دنیوی را فانی و ناچیز میپندارند در ملکوت
اسمان خوبیها از ایشانست و در این دنیا نیز
انچنان با رام بسر میبرند که گویا در اسمانند

س سعادتمندی دوم چه نتیجه میبخشد

ج انکه دعوی و مناقشه با هیچکس
نداشته باشیم چنانچه میفرماید سعادتمند انند
حلیمان از انکه وارث زمین خواهند شد
یعنی انانکه انتقام نمیکشند و در پی مکافات

نمیباشند

نمیباشند نسبت بانانکه بایشان ضرر میرسانند
و حسد نمیبرند بر انانکه مرتبه شان بسیار
بلندتر باشد بحلم خود انچه دارند در تصرف
ایشان میماند با امنیت

س سعادتمندی سیم چه نتیجه میبخشد

ج انکه در این دنیا ارزوی خوشیهای
نفس نداشته باشیم بلکه ریاضت بکشیم
و بر جرایم خود و عصیان دیگران بگرییم
چنانچه میفرماید سعادتمند انند انانکه حزین

هستند بجهت انکه تسلی خواهند یافت
یعنی انانکه بموجب حزن تسلی بیابند جهت
تسلیت شان در این دنیا انست که همان کریه
و حزنشان موجب فرح و انبساط قلبشان
میکردد و در ان دنیا بپاداش همین حزن
جلیس با فرشتکان میکردند
س نتایج ان سه سعادتمندی اولین
مفهوم کردید از برای فهمیدن تتمه دیکر که موجب
پیروی نمودن بافعال حسنه میکردد بیان

فرمایید که سعادتمندی چهارم چه نتیجه میبخشد
ج انکه در کارهای حق و عدالت بتمام ارزو
مشغول باشیم چنانچه میفرماید سعادتمند انند
انانکه کرسنه و تشنه برای عدالتند که سیر
خواهند کردید یعنی انانکه در عدالتند در دارین
بمراتب ارزوهای خود سیر خواهند شد
س سعادتمندی پنجم چه نتیجه میبخشد
ج انکه در این دنیا هر کس که برفیقانش
در مقام رحم باشد عاقبت در ان دنیا

ترحم براو خواهد شد چنانچه میفرمایند
که سعادتمند هستند ترحم کنندگان که
ترحم کرده خواهند شد یعنی آنانکه
در این دنیا برفیق خود رحم و معاونت
و عفو مینمایند و نعمت میدهند عوض
هریک از اینها بعینه در این دنیا
باو میرسد باضعاف مضاعف و در آخرت
جلال جاوید خواهد یافت

س سعادتمندی ششم چه نتیجه میبخشد

ج آنکه در همه کارها نیت حق و درست
داشته باشیم و پاک دل باشیم که در عبادات
خدا جز خوشنودی او چیزی دیگر مطلب ما
نباشد چنانچه میفرمایند سعادتمند هستند
پاکدلان که ایشان خدا را خواهند دید یعنی آنانکه
پاکند در این دنیا نظر باعتقاد کامل خود
بچشم جان خدا را حاضر میبینند و محترز از افعال
سیئه میباشند و در آخرت مشاهده خدا را
در ملکوت آسمان مینمایند

س سعادتمندی هفتم چه نتیجه میبخشد

ج انکه زندگانی خودرا بنیکوئیها اراسته

داریم وبا رفیقان بصلح بسر بریم چنانچه

میفرمایند سعادتمند انند صلح کنندگان ازانجاکه

فرزندان خدا خواهند شد یعنی انانکه در

مقام صلح میباشند بغایت عزیز

وارجمند میگردد درنزد خدا

س سعادتمندی واپسین چه ثمره دارد

ج انکه کاره نشویم از زحمتهائیکه دربندگی

خدا روی میدهد بلکه بصبر وخوشی

متحمل ان شویم بامید انکه خدا یتعالی

بپاداش زحمت کشیدن مارا در بهشت

جا خواهد داد چنانچه میفرمایند سعادتمند انند

انانکه ازبرای عدالت زحمت میکشند

زیرا که ملکوت اسمان ازان انهاست

یعنی انانکه بجهت ارتکاب در امور

محسنات زحمات میکشند وصبر میورزند

ملکوت اسمان ازان انهاست

فصل سیزدهم

در بیان کارهای رحمت

س کارهای رحمت چند است

ج چهارده از انجمله هفت جسمانی خوانده
میشود وهفت روحانی

س ان هفت که جسمانیت کدامست

ج اول گرسنه کان را خوراندن

دویم تشنه کان را اشاماندن

سیم برهنکان را پوشانیدن

چهارم غربا را جای دادن

پنجم رنجوران را عیادت نمودن

ششم زندانیان را دیدن وتسلی دادن

هفتم مردکان را دفن نمودن

س ان هفت که روحانیت کدامست

ج اول اموختن بنادانان دین عیسویرا

دویم مصلحت نیکو دادن محتاجان را

سیم دلاسائی نیک نمودن اندوهناکانرا

چهارم نصیحت کردن عاصیان را

از جهت خلاص کردن از گناه
پنجم بخشیدن ضرر زنندگان را بهیچوجه
بروی ایشان نیاوردن
ششم تحمل نمودن از اذیت رفیقان
هفتم دعای نیک کردن درباره زندگان
و مردگان متقیان دین عیسوی
س آیا فرصت که پیوسته کارهای
رحمت مذکور را بوجود آرند
ج همواره نه اما گاه گاهی

س کدام وقت بجا آوردن فرصت
ج وقتیکه کسی بغایت محتاج بود
و کسی را نداشته باشد که معالجه
کار او را نماید و خودش هم نتواند
که کارش را صورت بخشد بشرطی
اگر بهم نقصان عظیم نباشد لازمست
که خیرات بکند و چاره کار او را نماید
و اگر بر اینموجب عمل نیارد گناه کبیره
بنزد خدا کرده باشد

س بعدم این شرایط لازم نیست که خیرات بکنند

ج نه اما اگر بکنند خیر و نیکوئی عظیمست و بغایت سودمند

س چرا میگوئید خیر عظیم

ج زیرا که در انجیل مجید خدا تعالی

بسیار اوصاف رحمت را کرده است

بحدیکه حضرت عیسی صاحب ما فرموده است

براستیکه بشما میگویم که هرچه با یکی از

کوچکترین این برادران من بعمل آورید

از آن من کردید و خیرات چیزیست که

خدا تعالی بسیار بدان نازنده است

و کاریست که عمل آورنده خود را بلند

و محبوب همگنان میگرداند

س چرا میگوئید که بغایت سودمند است

ج باین سبب که پیشتر از آن چیزی که

در راه خدا بکسی بذل نموده است عاید او

میشود زیرا که خیرات گزیده چنه پولست

اما بصاحب خیرات صد چندان نتیجه

و بهره میبخشد چنانچه حضرت عیسی

فرموده است

س اینقول چه طور تحقیق میشود چونکه
اینچنین مشاهده نمیشود که کسیکه یک روپیه
بدهد صد روپیه بیابد

ج معنی اینکلمه را باین وضع ظاهری نباید
فهمید هرچند که اغلب اوقات
بوقوع می اید که خدا تعالی در مال و
متاع اهل خیر با نواع مختلف برکت وافزایش
میدهد و هرگز دیده نمیشود که سخاوت کیش

ازحم بذل و ایثار فقیر و مفلس گردد
بلکه روز بروز توانگریش زیادتر و صاحب
ثروت بیشتر میگردد در این دنیا

س پس بچه معنی درست می اید که
بذل کننده صد چندان زیاده مییابد
ازانچه ایثار فقرا میکند

ج باینمعنی است که خدا تعالی براهل خیر
جهت خیرات کردن مهربان میشود
وصحت و استقامت مزاج ارزانی

میفرماید و از مهلکه و خطرات عظیم در پناه
میگیرد و مهمات او را باسانی انتظام
میدهد و بعمر ادمی افزاید و صد مساوی دیگر
با و عطا میفرماید از همان چیزیکه بذل فقرا
کرده است بنابراینست که گفته ام خیرات
کردن بغایت سودمند است و باین جهات است
که میباید ادمی بجهت بهبود و امید سود خود
در خیرات بغایت طالب باشد
س بعضی از فواید خیرات را بطریق

ایجاز و اختصار بیان فرمایید
ج اگرچه قبل ازاین بعضی از فواید انرا
ذکر داشته ایم اما اکنون هم بعضی فواید
دیگرش را اظهار میداریم خیرات کردن
رهائی میبخشد از وسواس شیاطین و از امریکه
باعث عصیان میشود از خدا توفیق
میرسد که از ان محترز باشیم تا انکه در جهنم
نیفتیم و کفاره است برای گناهانیکه مرتکب
ان شده ایم تا انکه از محنت و صعوبت

ان نجات یابیم و محمد است براینکه هرچه
از خدایتعالی استدعا نمائیم بیابیم چرا که خدایتعالی
فرموده است که هر که رحمت میکند رحمت خواهد یافت

س در کدام وقت باید بعمل آورد

ج در همگی اوقات چرا که همواره
محتاج مراحم ایزدی هستیم

س خوب اما تخصیص در کدام وقت

ج در ایام روزه کلان که وقت ریاضت
کشیدن و کفارت دادن از جرایم

و استدعا نمودن رحمت از خدایتعالی است
و در وقتیکه کسی تکسر مزاج داشته باشد
یا ضرورتی عظیم او را در پیش آید بتخصیص در حالت
نزع باشد تا آنکه باعث گردد که جانش
بسلامت متوجه عالم بقا گردد و اگر در زندگانی
خود رحمت بفقرا نیاورده باشد چون
در حالت نزع بود وصیت نماید که از مال
و متاع او جهت کفارت عصیانش بر فقیران
تقسیم نمایند که بغایت سودمند است

و نتیجه بخش که سخن مختصری وصیت نماید
و رحمت کلی بیابد

س این فواید از کجا معلوم میشوند

ج از اینکه خدا یتعالی در کتب مقدس
خود که توریة و زبور و انجیل و غیره باشد
در فواید و رعایت رحم فرمان داده است

س مستحق خیرات کیست

ج هر فردی که محتاج باشد و هر مذهب
و کیشی که داشته باشد اما رعایت اهل دین

خودرا

خود را بیشتر باید کرد خصوصا بمردمانیکه خویش
و اقربا باشند و در اینجماعت خیرات اولیتر است
بطایفه که بصلاح و تقوی از دیگران مستثنی
باشند زیرا که در ضروریات واجبه خودشان
مصروف میدارند هرچند خیرات بالعموم
نتیجه خوب میدهد اما اگر بمردم نیک نفس
خیرات نموده شود و دعا از صدق نیت
و صفای طویت کنند مقرون باجابت
میگردد و مشتمل بر فواید بسیار است

فصل چهاردهم

در بیان گناهای کبیره و معالجه انهاست

س خیرات و نیکوئیهای عظیم را
که باید پیروی کنیم بیان فرمودید اکنون
بفرمائید از گناهای کبیره که از ارتکاب ان
احتراز و اجتناب نمائیم و نخست بگوئید
که گناه چه چیز است

ج گناه نیست مگر انکه بخلاف امر ایزدی
و باختیار خود مرتکب فعلی شدن یا ترک

نمودن کاریرا که ما موریم بدان از خدا تعالی

س چرا گفتید مرتکب شدن یا ترک نمودن

ج باینجهت که بعضی از جرائمیت که مرتکب
شدن بانها خلاف امر یزدانست مثل
قتل و دزدی و بعضی دیگر از جرائمیت که ترک
نمودن انها خلاف امر یزدانست مثل
نگرفتن روزه و ترک صلوة و غیره

س چرا گفتید باختیار

ج زیرا که اگر از کسی امری خلاف بی اختیا

سرزند داخل کناه نیست مثل کاری که در
خواب کند یا در حالت دیوانکی و بیخبری باشد
و یا انچه از دیوانکان و بچکان سر زند
س چرا میکوییه بخلاف امر ایزدی
ج زیرا که منظور ما از هر عمل حسنه رضای
ایزدیست چنانچه کاتب در وقت کتابت اکر
اندک از مسطر تجاوز کند کج نویسد بهمین دستور
هر کاه بخلاف امر ایزدی از ما کاری سر زند
خواه از خود و خواه بوسیله دیکری باشد داخل کناهست

کناه بدی

س کناه بدی عظیم است
ج اری عظیم است و عظیمتر از همکی سیات
انست که انسانرا از خوشنودی خدا محروم
و مایوس میسازد و شایسته عذاب ابدی
در جهنم میکرداند بنابران اجرایم دیکر پیشتر باید
اقرار کند ازرا با هر کونه تفصیلی که ازاو پیدا شده است
س ایا هر جریمه مجرمرا شایسته عذاب
دوزخ میکرداند
ج نه زیرا که بعضی جریمه صغیره است و بعضی

کبیره و کبیره باعث نارضائی خداست و مستحق عقوبت ابدی میگرداند و صغیره انقدر ضرر و نقصان ندارد

سس جریمه کبیره چه چیز است

ج چیزیست شنیع که عظیم و ثقیلست و مانع میشود عاملش را از حصول مراحم الهی و وصول بملکوت اسمانی و در آتش دوزخش مستقر و مستتر میدارد

سس جریمه صغیره چه چیز است

ج چیزیست شنیع که حقیر و خفیفست و عاملشرا مستحق دوزخ نمیدارد

سس جرایم کبیره که منبع معاصی و سر دفتر گناهان میباشد چند است

ج هفت

سس که اند

ج اول تکبر

دویم حسد

سیم غضب

چهارم کاهلی

پنجم طمع

ششم عبد البطنی

هفتم شهوت

س تکبر چه چیز است

ج خود را بزرگ گرفتن نسبت بدیگران

س معاصیکه از تکبر حاصل میشود کدامست

ج لاف زدن در خود و حقیر داشتن
دیگران و نافرمانبرداری وغیره

س علاج دفع تکبر چه چیز است

ج تواضع و فروتنی که بوسیله ان شناختن

خود بی میبرد و معلوم میکند که هیچ خوبی
در وی از خودش نیست مگر انکه از عطایای
ایزدیست و خود را از هیچکس بتقوی و تفضیل و ترجیح نمیدید

س حسد چه چیز است

ج اندوه و حزن داشتن بر انتظام امور
دیگران از این رهگذر که ظن میبرد با اینکه بزرگی غیر
موجب قصور و نقصانست در بزرگی خودش

س معاصیکه از حسد حاصل میشود کدامست

ج بدبختی با مردم و خوشنودی بر بدی ایشان

ومغمومی بر خویشان وغیره

س علاج دفع حسد چه چیز است

ج حب خلایق وفکر نمودن براینکه
هر خوبی وشایستگی که ایشانراست خدا مرحمت
فرموده وبغایت ترک ادبست مغموم
بودن مخلوق از عملیکه از خلایق سر میزند

س غضب چه چیز است

ج آرزوی بی اندازه است در انتقام کسی

س معاصیکه از غضب حاصل میشود کدامست

ج باخلق خدا منازعه وکینه نمودن
وسخنان اهانت آمیز وکفر گفتن وستیزه
وقهر داشتن وغیره

س علاج دفع غضب چه چیز است

ج صبر نمودن وفکر کردن براینکه بموجب
جرایمی که دارم هرگونه شداید ومکروهاتیکه
بمن میرسد مستحق میباشم ودر نظر داشتن
اینکه حضرت عیسی وحواریان واولیای
آنحضرت نسبت بکسی که ایشانرا آزار وایذا

میرسانید رحمت و مهربانی بجای می‌آوردند
و یاد آوردن از اینکه خدا تعالی تقصیرات
عظیم آنکس را که صبر بر آزار و ایذای
مردم مینماید عفو میفرماید
س کاهلی چه چیز است
ج امتلا و سستی در پرستش
ایزدی و نیکوکاریها
س معاصیکه از کاهلی حاصل میشود کدامست
ج تقصیر نمودن اکثر اوقات در امور

لازم و ملالت پیوسته داشتن و از دست
دادن معالجه زندگانی روحانی و جسمانی و غیره
س علاج دفع کاهلی چه چیز است
ج فکر نمودن بر چستی و چالاکی ملائکه
و انبیا که چگونه در مواظبت خدمت
باری تعالی ساعی میباشند و تکرار در خواندن
کتابهای مجیده و معاشرت با متقدسین
و دایم متذکر باشد بر اینکه خداوند
فرمایش فرموده که هر کس خلاف فرمایش

نکند مستحق ملکوت اسمانست

س طمع چه چیز است

ج ارزوی بی اندازه است بکام
وحطام دنیوی

س معاصیکه از طمع حاصل میشود کدامست

ج بسیار از انجمله سرقت و دغل بازی
دربیع و شری وسخت دلی نسبت بفقرا، و دروغ
گفتن و دروغ قسم خوردن وغیره

س علاج دفع طمع چه چیز است

ج سخاوت وبذل بفقراست ودایم متذکر
ومتفکر باشد برخزانه ملکوت اسمان ودل
ازخزانه زمین برکند زیرا که دشمن جان
میباشد و درضروریات خود متوکل
ومتوسل بامید خداوندی باشد

س عبه البطنی چه چیز است

ج ارزوی بی اندازه بخوردن واشامیدنست

س معاصیکه ازعبه البطنی حاصل میشود کدامست

ج شهوت و انکار صوم وکسالت

وکرانی در عبادت ایزدی ونیز انواع
امراض مهلک در بدنش عارض میشود وغیره

س علاج دفع عبة البطنی چه چیز است
ج پرهیز وقناعت در خوردن واشامیدن
نموده یقین داشته باشد که ادمی از خوردن
واشامیدن زنده نیست بلکه حیات
او از فرمان آلهیت

س شهوت چه چیز است
ج ارزوی بی اندازه است بخوشیهای نفس اماره

س معاصیکه از شهوت حاصل میشود کدام است
ج الودگی بزنا است وچیزیکه اقبح از است
وسخنانیکه دال بر ارتکاب اینگونه شنایع باشد
واضطراب جان وانفعال وغیره

س علاج دفع شهوت چه چیز است
ج فضیلتی است که انرا پاک دامنی میگویند
واحتراز نمودن از چیزهائیکه باعث عصیان است
وبر نفس خود تنگ گرفتن واولیتر از همه
تضرع نمودن بخدا وشفیع اوردن جناب پیغمبر را است

فصل یازدهم

در بیان چهار چیز و اینکه پس

س از پنج و بنیاد جرایم و سیات را
با معاصیکه بواسطه انها حاصل میشود
با علاج هریک از انها بیان فرمودید
اکنون بفرمایید که معالجه دارید که ادمی
بکلی از جمیع کناهان محترز باشد
و باعمال حسنه متوجه کردد

ج اری و ان فکر کردن بر چهار چیز و اپسینست

کدامند

س کدامند

ج اول مرک

دویم قیامت

سیم دوزخ

چهارم بهشت

س در باب مرک بچه نوع باید فکر
داشته باشد تا موجب احتراز از جرایم کردد

ج بچهار چیز

اول فکر کردن بر اینکه مرک حق الیقینست و هیچکسرا

از جنک اورهائی ممکن نیست

دویم زمان و مکان و اسباب حصول
ان مشخص نیست زیرا که بسا مردمان بودند
که عمرشان سپری شد در مکانی و آنی و طرزی
که اصلا در خاطر ایشان بالظورها عبور نمیکرد

سیم بر اینکه در حالت مرک امال و امانی دنیوی
هر کسی طی میشود و نیز برانها مشخص میشود که
ارزوهای قبیحه که در دنیا داشته اند
تماما بغایت لغو و ستنکر بوده است

چهارم بر اینکه در حالت مرک که از ارتکاب
هر کونه بدی و ترک اقدام نیکی ادمی پشیمان میشود
و چاره پذیر نیست پس بکمال حمق میباشد
که اکنون که دست رسی دارد از هر قسم سیات
اجتناب ننماید و بهر کونه حسنات میل نکند

سس در باب قیامت بچه نوع باید
فکر داشته باشد تا موجب احتراز از جرایم کردد

ج بچهار چیز

اول فکر کردن بر اینکه در قیامت عدالت

خواهد کرد عادلترین عادلان بر حسنات
وسیات مردمان
دویم براینکه هیچ چیز از ان چیزهایکه
مستور است در نزد ان مخفی نخواهد بود
سیم براینکه عدالت وانصاف بحضور
جمهور خلایق خواهد شد تا همکنان از ارتکاب
افعال حسنه وذمیمه خود اگاه و وقف کردند
واین امریست که باعث ملالت بدکرداران است
وموجب توقیر وتعظیم نیکوکاران ودران

وقت اصلا گریزی از برای احدی متصور نیست
چهارم براینکه احدیرا یارای ان نیست
که خودرا ازاد دارد از زجر ومحنت وتجاوز
نماید از فرمان انصاف وعدالت الهی
سی در باب دوزخ بچه نوع باید فکر
داشته باشد تا موجب احتراز از جرایم گردد
ج فکر کردن براینکه دوزخ مکانیست
که در او حبس شیاطین ومجرمان شقاوت
ایین است ودر انجا ابد الاباد برانها حاصل

میشود هر کونه عذابی و عقوبتی که زیادتر از انکه است
بتصور نتوان اورد و مطلق امید نجات و سپری
شدن عذاب و فرصت یافتن ما را ل میسر و بتدریج
عذاب از برای کرفتاران عقوبت در انجا این خواهد بود
که اجتناب نکرده اند از معصیتیکه در دنیا باسانی از انها
سرزده است و باسانی احتراز از ان میتوانسته اند نمود
س درباب بهشت بچه نوع باید فکر
داشته باشد تا موجب احتراز از جرایم کردد
ج فکر کردن بر اینکه بهشت مکانیست

که در او رفاهیت سعادتمند است و در انجا
احداث میشود هر کونه خوبیها و شایستکیها
که بیشتر از انکه هست بتصور نتواند اورد و هرکز
قصوری از برای ان نیست و در انجا مقدسین خوش وقت
و مسرور جاویداً بسر خواهند برد و مستدعی
از کرم کریم و لطف عمیم خداوند علیم جلت شأنه ان
میباشیم که از برای مطالعه کنندکان و بعمل اورندکان
مطالب مندرجه در این نسخه شریفه بهشت مذکور را
میسر و نصیب کرداند آمین تمت الکتاب بعون الملک الوهاب

علاوه شده

در بیان اعمال اعتقاد و امید و محبت و پشیمانی و توبه

در بیان عمل اعتقاد

ای خدای من ایمان محکمی اورم بهر چیزیکه
کلیسیای مقدس کاتلیکی و رسولی مرا میفرماید
که باو اعتقاد بیاورم زیرا که خود تو ای حق
لاریب فیه انرا وحی کرده

در بیان عمل امید

ای خدای من امید وارم باعتقاد محکم
که بثوابهای حضرت عیسی که عنایت خود را
در این دنیا بمن کرامت فرمائی و در اخرت
زندگانی جاوید

در بیان عمل محبت

ای خدای من تورا دوست میدارم
از همه دل بیشتر از هر چیز و نیز رفیقان
خود را دوست میدارم بمثل خود

زیرا که تو چنین فرموده

در بیان عمل پشیمانی

ای خدای من بسیار پشیمانم که تو را
رنجانیده‌ام زیرا که بی نهایت خوبی و بی انتها
مقبولی و نزد تو گناهان من مکروهست
مرا ببخش بثوابهای حضرت عیسی بنا دارم
بواسطهٔ عنایت تو بعد از این تو را هیچ
نرنجانم و صالح شوم و بزودی اعتراف
و توبه نمایم

در بیان عمل توبه

اعتراف میکنم پیش خدای قادر بر همه چیز و جناب
مریم سعادتمند همیشه بکر و قدیس میکاییل فرشته
و قدیس یحیی معمدی و قدیس رسل پطرس
و پلوس و همه اولیا، خدا زیرا که زیاده گناه
کرده‌ام فکراً و لفظاً و عملاً از این سبب است
که میطلبم از جناب مریم سعادتمند همیشه بکر و قدیس
میکاییل فرشته و قدیس یحیی معمدی
و رسل پطرس و پلوس که از برای من

۲۳۰

پیش خدا استدعا کنند که بما رحمت
کند خدای قادر بر همه چیز و گناهان ما را ببخشاید
و ما را بزندگانی جاوید برد آمین
بیامرزد و عفو نماید و ببخشد گناهان ما را
خدای قادر بر همه چیز و رحیم آمین
تمام شد این رساله شریفه و انتخاب
گردید از عقاید عملیات دین عیسویان یعنی جماعت
کاتلیک بتالیف و تفسیر جناب شامخ الالقاب
فضایل و فواضل مآب عمدة العلماء المسیحیه و قدوة

الفضلا

صفحه ۲۳۱

الفضلاء العیسویه کشیش استپانوس کاتلیک
ابن اراطون ابن کشیش یوحنا ساکن جولاه
دار السلطنه اصفهان صانها الله تعالی
عن الحدثان بجهة اطفال کاتلیک که در مدرسه
معظم الیه بتحصیل علم مشغولند که پس از خواندن
و مهارت نمودن و بجای آوردن در مراتب
ضروریات دین خود راسخ کردند و بدینواسطه
با وجود عنایت الهی حیات جاودانی را دریابند
تاریخ فراغت از تحریر مطابق سنه مسیحی سال ۱۸۴۶ بود

این کتاب ۹۴ سال است که نوشته شده

This book blongs to

Harootiun N. J.

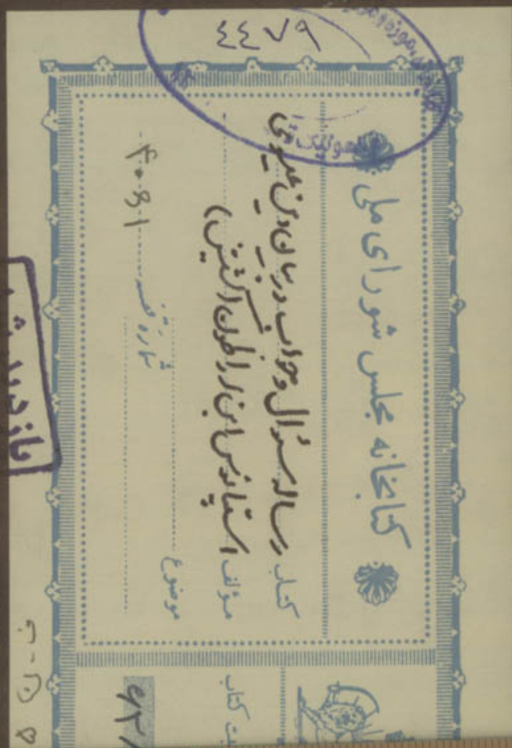
This Book belongs to

Harootiun N. J

Johannesintz

he had buy this

from a persian man



This book blongs to

Harootiun N. J.

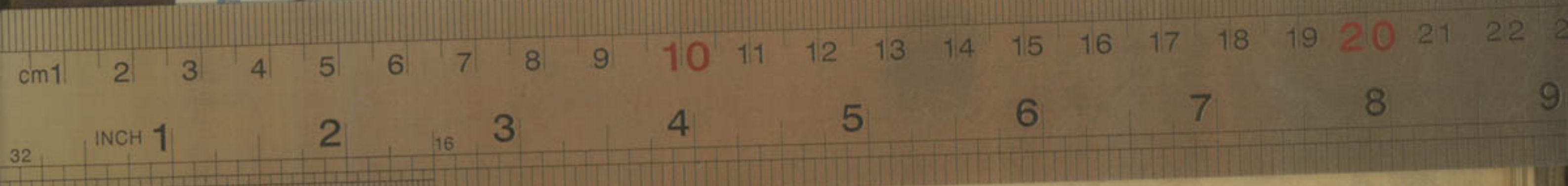
This Book belongs to

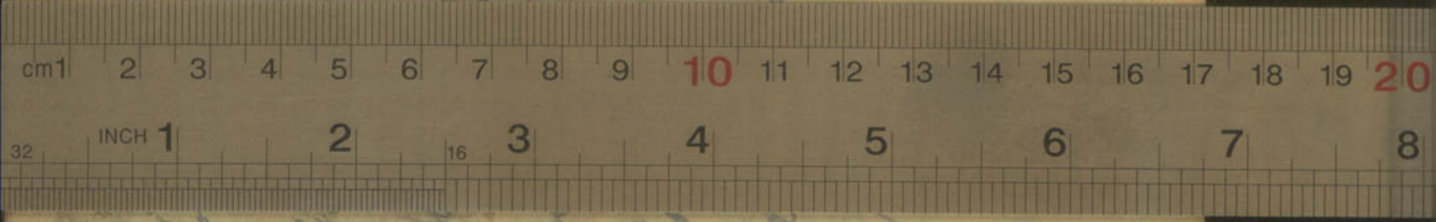
Harootiun N. J

Johannesintz

he had buy this

rom a persian ma





This boo[...] the
[...] N. J.
This B[...]ngs to
[...] J
Johann[...]
he had [...] this
from a [...]man